



ارگان کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال دوم نیمه اول اسفندماه ۱۳۶۷

اطلاعیه "عقوبین الملل"
در مورد خطرا عدم
زندانیان سیاسی زن

دفاع از سلمان رشدی

برای آزادی، علیه تروریسم!

سازمان عقوبین الملل طی اطلاعیه‌ای مورخه ۱۰ فوریه ۱۹۸۹ اعلام نمود که بر اساس گزارشات به دست آورده، تعدادی از زنان زندانی سیاسی، در زندان اوین تهران با خطر مرگ مواجه هستند، و این در حالی است که رژیم جمهوری اسلامی اعلام "عفو عمومی" کرده است، زنانی که با خطر مرگ مواجه هستند از هواداران گروه‌های چپ می‌باشند سازمان عقوبین الملل ضمن ارائه نام ۸ تن از زندانیان که با خطرا عدم مواجه هستند، تاکید نموده است که زنان زندانی در زمره زندانیانی هستند که قبلا محکوم به حبس شده اند و چندین سال است که در زندان برمی‌گردند.

صدور حکم قتل سلمان رشدی نویسنده کتاب "آیه‌های شیطان" همسروی وناشرین آن از جانب خمینی، اگرچه به دلایل استفاده سیاسی پس از شکست در جبهه‌های جنگ بین ایران و عراق و نوشیدن جام زهر پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل و بهین بست کشیده شدن همه طرح‌های تیکنونی برای باسازی - و صدور انقلاب اسلامی از طریق فتواها و نامه‌ها برای حفظ روحیه، دلیل شده حزب الله، ستونهای ضربتی رژیم، انجام گرفته است، اما به خشن ترین و وحشیانه ترین شکل، آشکارا با صدور جنایتکارانه و ضد بشری تروریسم، آدمکشی دولتی و رسمی رژیم حاکم بر سرنوشته مردم را در انظار جهان نیا نه نمايش در آورده است، طی دو هفته گذشته جامعه بشری لرزش ناشی از سرمای گزیننده سیاست ترور و کشتار جمعی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را که مدت ۱۰ سال بر جان و مال و روح مردان، زنان و کودکان مظلوم ایرانی و زبیده و دنیا شای از درد، تالم، ویرانی و فاجعه برجای گذاشته، تاز به زیر پوست خود احساس کرده است و می تواند بقیه مردم که بر خلق ۵۰ میلیونی چه میگذرد! در صفحه ۲

نکاتی پیرامون گزارش دهی

زندگی و مبارزات پناهندگان

- تلاش جدید دولت ترکیه در استرداد دیک گروه پناهندگان به ایران شکست خورد.
- استرداد دبیمای بقیه و هولناک پناهندگان ایرانی

در صفحه ۹

شواردنا دزه در تهران چه میکند؟

سئون آزاد

کمونیسست ها و جنبش ۲۱ آذر آذربایجان

یک روستا و ۷۵ اعدا می

افغانستان پس از خروج نیروهای شوروی

آینده رژیم فعلی افغانستان و آینده پس کشور بطور کلی یکی از مهمترین بحثهای سیاسی جاری در مطبوعات بین المللی میباشد. این بحثها که بر مبنای دقیقترین تحلیلها تنها این بیان امکان را محتمل میدانند بسته به گرایش سیاسی تحلیلگر - گران طبیعا این بیان جنبه اطلاعات مربوط به ارزیابی از روند تحولات را بنحوی بنه خواننده ارائه میدهند که وی را به پذیرش نتایج دلخواه خود سوق دهند. اکنون که نیروهای شوروی پس از پانزده سال جنگ خونین از افغانستان خارج میشوند، پاره‌ای سقوط سریع رژیم دکتر محمد نجیب الله و حزب دموکراتیک خلق افغانستان از طریق شروع

نامه‌ای از ایران...

خمینی و "آیه‌های شیطان"

عکس العمل شیطان، خمینی جلاد در برابر انتشار کتاب "آیه‌های شیطان"، طی هفته‌های گذشته یکی از جنجالی ترین رویدادهای جهان بود. شیطان جماران با برپائی حساب شده ای پس جنجال با ردیگر با برق خنجر خفا و ترور و وحشتش در سطحی گسترده و آشکارا رتر، سیمای واقعی خود را به عنوان مجوزه و غریبه ای خونخوار بنمايش گذاشت. شیطان جماران، اما زهر خورده و فاسدی که دستش تا مرفق به خون بهترین فرزندان مردم آغشته است، با برپا کردن هیاهوی حسابگرانه میخواست هدیسه اصطلاح "حیثیت" از دست رفته اش را بدست آورد و دوباره خود را در عرصه جهانی و داخلی مطرح سازد و بر کشتار کاری ها و جنایتش سرپوش گذارد! اما این با رتبه جز نفرت جهان نیا و مردم آگاه میهنمان محمول دیگری بدست نیاورد.

کتاب "آیه‌های شیطان" در واقع پنجمین اثر "سلمان رشدی" نویسنده انگلیسی هندی الاصل است. پیش از انتشار این کتاب، کتابهای "گرمیون" "بچه‌های نیمه شب"، "شرم" و "لبخند پلنگ" از این نویسنده، که به رثا لیسیم بورخس و ما رکزگرا پیش و نزدیکی دارد، منتشر شده است. "بچه‌های نیمه شب" که با دیدی نقادانه به تاریخ معاصر هندی پرداخت و نیز "شرم" که به افواج پاکستان پرداخته است، به زبان فارسی برگردانده شده و در سطح جهانی نیز در صفحه ۲

علیه اعدام و شکنجه و برای نجات جان زندانیان سیاسی بپاخیزیم!

دفاع از سلمان رشدی

برای آزادی، علیه تروریسم!

از صفحه ۱

از صفحه ۱

خمینی و
"آیه‌های شیطانی"

علاوه بر ترجمه به زبان های مختلف، جوایز متعددی نیز دریافت کرده است، "لیخنندیلنگ" نیز گزارش دیدار نویسنده از نیکا را گوشت است.

کتاب "آیه‌های شیطانی"، که شیطان و جسدلاد جماران را ظاهراً برآشفته کرده است، در واقع به تعبیر خود سلمان رشدی، اثری رویاگونه است که نویسنده تلاش کرده است برداشتن از "پدیده وحشی و پیدایش یکی از ادیان بزرگ جهان" را بیان کند. در این کتاب که به مثالی مجربین آسیای شرقی در انگلیس پرداخته می‌شود در دو فصل از کتاب به گونه‌ای ای رویاگونه و سمبلیک به پیغمبری به نام "ما هوند" و فرشته‌ای بنا مجبرئیل و نیز مناسبت خصوصی زندگی خصوصی آنها پرداخته می‌شود، مناسبتی که در قالب رویا های یک هنرپیشه‌ی هندی مهاجر به انگلستان بنا مجبرئیل جلوه گر می‌شود.

کاملاً طبیعی است که در مقابل طوفانی از انزجار و نفرت توده‌های در سطح بین‌المللی علیه رژیم جمهوری اسلامی دولتهای سرمایه‌داری غربی به عکس العمل و ادراشوند، آنها مجبورند در حفظ سوپاپهای اطمینان نظامی و ژوژواشی از آزادی عقیده! و سلمان رشدی دفاع کنند. خلیسی از دولت مردان جمهوری اسلامی، از جمله سفیر رژیم در واتیکان، حجت الاسلام غفاری، سپاه پاسداران، هسته‌ها و انجمن‌های اسلامی در سرتا سر اروپا آمادگی خود را برای اجرای حکم خمینی اعلام کرده‌اند. رژیم اعلام کرده است به هر خارجی که حکم را اجرا کند یک میلیون دلار خواهد پرداخت. بسیاری از ناشرین اروپائی از ترس جان و مال خود از ترجمه و انتشار کتاب آیه‌های شیطانی سر باز زده‌اند. این تاوانی است که بشریت متمدن، بویژه مردم اروپا در مقابل سکوت و سازش دولتهای خود در مقابل جمهوری اسلامی می‌پردازند. دولتهای سرمایه‌داری در غرب وقتی که بدلیل حفظ سودهای سرشار ناشی از معاملات خود با رژیم اسلامی ایران به کثیف‌ترین بده‌بستانها بر سرگروگانها در لبنان پرداخته و در مقابل نسل‌کشی اخیر در دوسه ماه گذشته از زندانهای سیاسی ایران سکوت کرده و به فریادهای سازمانهای مترقی و اپوزیسیون ایرانی و نهادهای حقوق بشر کمترین اعتنائی نکردند، عملاً اکنون شهر - وندان خود را به گروگانهای رژیم تبیه‌کارا سلامی در ایران در آورده‌اند.

رفقا! نیروهای مترقی و انقلابی!

مهاجرین و پناهندگان ایرانی!

حالا که دول اروپائی تحت فشار افکار عمومی و ابعا د تحیل نا پذیر تروریسم دولتی جمهوری اسلامی و اداریه ما نورهای از قبیل تحریم فرهنگی، و... در مقابل رژیم شده‌اند، وظایف مهمی در برابر ما قرار گرفته است. باید از شرایط مساعدی که در گذشته و در این بنا بدیده‌ای آنچه را که بر سر کارگران و زحمتکشان، زنان و کودکان، روشنفکران و جوانان میگذرد، بویژه آنچه را که بر هزاران زندانی سیاسی قهرمان و قتل عام شده، کشورمان گذشته است به مردم کشورهائی که ساکن هستیم توضیح داده و تشریح کنیم. از آنها بخوانیم که دولتهای خود را تحت فشار بگذارند تا بخاطر منافع سرمایه‌داران، غارتگران خلقها و تولیدکنندگان سلاحهای شیمیائی و مرگ زا و جدا نهایی بشری و انسان دوستانه آنها را مورد معامله قرار ندهند و به ما نورهای تحریم فرهنگی و از این قبیل تحریم‌های غیر موثر بنده نکنند. رژیم اسلامی ایران هم اکنون در عمیق ترین بحران سیاسی و اقتصادی خود بسر میبرد. رژیم برای بازسازی ماشین سرکوب و جنایت خود احتیاج ببلاتردید به ما و اعتبارهای خارجی و روابط گسترده سیاسی دارد. تنها با یک تحریم همه جانبه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی میتوان به توحش جاری و گسترده رژیم اسلامی ایران خاتمه داد.

باید با ایجاد کمیته‌های اقدام با شرکت همه آزادخواهان، دمکراتها، نیروهای مترقی و انقلابی، بشردوستان و شخصیت‌های ایرانی و خارجی حول حمایت از سلمان رشدی به دفاع از آزادی‌های بی قید و شرط سیاسی در ایران برخیزیم. تحریم اقتصادی رژیم حاکم بر ایران شعاع محوری است که خواسته‌های دیگر از جمله تحریم سیاسی، فرهنگی، دفاع از جان زندانهای سیاسی و دفاع از حقوق پناهندگی در چهارچوب آن معنی یافته و میتواند متحقق گردد. هم‌اکنون برخی از گروه‌های پارلمانی احزاب مترقی و اپوزیسیون در کشورهای اروپائی تحریم اقتصادی ایران را مورد طرح و بررسی قرار داده‌اند. باید با ایجاد یک کارزار وسیع توده‌ای جهانی در تحقق واقعی این اقدامات تحریمی بکوشیم. در این مسیر کمیته‌های اقدام با شرکت وسیعترین نیروها تا اتحصاد عملیاتی موردی دمکراتیک و سازمانی میتوان نمودار استفا ده قرار گیرند.

سرتگون با جمهوری اسلامی، برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته خارج از کشور

(اسفند ۱۳۶۷) ۱۹۸۹/۲/۲۴



این کتاب ۵۴۷ صفحه‌ای، که برخی از منتقدان برآند که "به ایران اشاره دارد" و "نوعی واکنش در برابر انقلاب اسلامی ست" را موسسه انتشاراتی پنگوش منتشر ساخته است. با انتشار این کتاب، پیش از آنکه شیطان جماران به صرفت صدورفتوای قتل سلمان رشدی بیافشد، بسیاری از شخصیتها و محافل اسلامی جهان، بویژه اهل تشن، دست به اعتراض زدند و خواستار جلوگیری از انتشار این کتاب شدند. اما خمینی جلا، در راستای بهره‌برداری از این رویداد، با تاکید، خواستار قتل رشدی شد و اعلام نمود که این عمل "با هوسپله‌ای بره‌فرد مسلمان واجب است!". در شرایطی که مردم میهنمان در فقر و فلاکت به سر می‌برند میلیون ها دلار برای

یک روستا و ۷۵ اعدا می

شواردناده

در تهران چه میکند؟

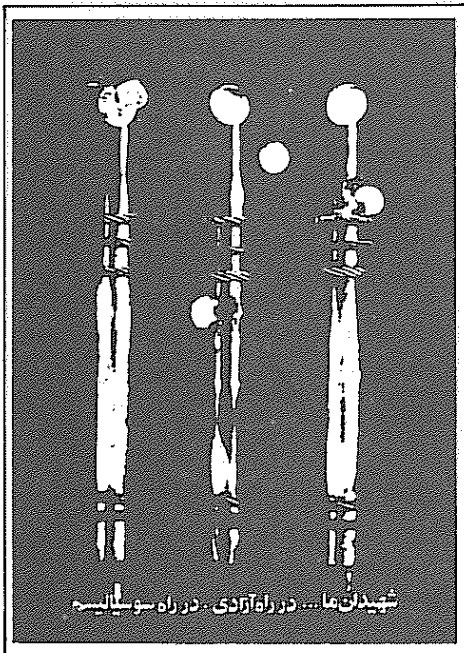
آبکنای روستائی است دره ۴ کیلومتری بندر انزلی با ۵ هزار جمعیت، سابقه مبارزاتی این روستا مشهور است. اهالی این روستا خیلی زود به انقلاب پیوستند و از اولین روستائی بودند که در نظامات بر علیه شاه شرکت نمودند. در عین حال همچنین از اولین روستائی بودند که به شکست انقلاب ایمان آوردند و به مخالفت با رژیم خمینی برخاستند. طبیعی است که جواب مخالفت در رژیم فقها چیزی جز طاعت با دشمنی توان نباشد. در نتیجه، یورش چکمه پوشان رژیم به این روستا از فدائی انقلاب آغاز شد. صدها تن از دهقانان و فرزندانشان به اسارت گرفته شدند و تا کنون بیش از ۷۵ تن از افراد این روستا اعدام شده اند. در اعدای اخیر تا کنون ۱۵ تن از مبارزین آبکنای اعدام شده اند. هنوز تعداد زیادی از جوانان آبکنای در زندانند و بسیاری از خانواده ها از سرنوشت فرزندان خویش بی اطلاع هستند. مبارزه در این روستا بر علیه رژیم خمینی همچنان در جریان است. اهالی این روستا در یک چیز نقطه مشترک دارند و آن اینکه همگی خانواده شهدا هستند.

منتشر شده است:



شهیدان ما ... در راه آزادی، در راه سوسیالیسم

آلیم شهبان
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)



شهیدان ما ... در راه آزادی، در راه سوسیالیسم

با پیام کارگر همکاری کنید!

ادوار شواردناده وزیر خا رج شوروی در ادامه سفر خود به کشورهای خاور میانه، از عراق و ایران نیز دیدار نمود. در تهران وی با همه مقامات عالی رتبه ایرانی از جمله خمینی ملاقات کرد. و پیاپی نیز از جانب گورباچف به وی تسلیم کرد. بر طبق ارزیابی مفسرین غربی، با توجه به کندی در بهبود روابط ایران و غرب که با مجرای صدور فتوای قتل سلمان رشدی نویسنده کتاب "آیه های شیطان" وارد مرحله تازه ای شد، شوروی میخواهد که روابط خود را با ایران بهبود کیفی ببخشد.

این دیدار در روزهای انجام میشود که وجدان بشریت از تصمیمات ارتجاعی خمینی برای محدود کردن آزادی در تمانی جهان با شیوه های تروریستی در عذاب بوده و افکار عمومی مترقی بصورتی گسترده رژیم مرتجع و آزادی کثرت ایران را محکوم میکند. در شرایطی این دیدار صورت میگیرد که جهان بعد از فتوای قتل سلمان رشدی، در میانی یا بندگی بزرگان سیاسی قهرمان ایران که قتل عام شدند و بر آزار دیدگان ایران که ده سال است در منگنه سرکوب و اختناق بسر برده اند، چه گذشته است، در چنین وضعیتی کارگران و مردم آزادیخواه ایران نمی پذیرند که وزیر خا رج یک دولت سوسیالیستی از جلا دما را ن دیدن کند. در حالیکه تلاش وسیعی برای منزوی کردن حکومت اسلامی در کشورهای مختلف جهان آدا مه دارد. با این حرکت فدا انقلاب خا رج برای ایران رایاری ده شد. ما ضمن محکوم کردن این سفرو دیدار و از دولت اتحاد شوروی میخواهیم که بوظافتنا نقرنا سیونا لیستی خود پیاپی بنده بوده و همراه و پیشاپیش همه مردم مترقی جهان رژیم شهبان را سلامی را تحت فشار گذارد.

ایران و ترکیه:

توافق بر سر مخالفین

طی سفری که محتشمی وزیر کشور به ترکیه داشت، در کتار بحث بر سر مسائل گوناگون، بین این "دو کشور دوست و همسایه"، حل مشکل مخالفین یکی از بندهای مهم مذاکرات را تشکیل میداد. محتشمی در دیدار با مسئولین رژیم ترکیه "خواستار اجرای قرار داد استرداد مجرمین بین دو کشور شد". محتشمی در تعریف مجرمین صحبت از "فدا انقلاب" های ایرانی داشت که در ترکیه آوارها اند. وزیر کشور ترکیه ضمن توافق با همتای ایرانی خویش "قول مساعدا دکه در همه زمینه های مطرح شده اقدامات موثر معمول دارد". (کیهان ۱۲ بهمن).

لازمه ذکر است که دولت ترکیه قبلا نیز از این اقدامات موثر معمول داشته و چندین بار آوارگان ایرانی را به دولت ایران تحویل داده بود. مطبوعات ایران قبلا گزارش داده بودند که در رژیم در ارتباط با مسئله کردها نیز به نحو مطلوبی اقدامات موثری صورت گرفته است. این مورد چیزی را انتشار نداده اند.

تحقق این اقدامات و حشانه و غیر انسانی جا بزه تعیین کرد. خمینی، حتی گفته های خاتمه ای در تماس جمعه را که "اگر رشدی در برابر مسلمانان جهان و امامت مغفرت کند، بخشیده میشود" را بی اعتبار خواند و بر واجب القتل بودن رشدی تاکید نمود. سلمان رشدی که مورد حمایت کشورهای و مخالف مختلف غربی و همچنین مترقی قرار گرفته است، ۴۱ سال دارد. او در خانواده ای مسلمان در شهر میسبی متولد شده است. در دانشگاه کمبریج رشته تاریخ را گذرانده و سپس کار ادبی و هنری اش را با روزنامه نگاری و تئاتر شروع کرده است. در حال حاضر نیز عضو موسسه تولید فیلم بریتانیا، عضو شورای موسسه هنرهای معاصر و عضو انجمن سلطنتی ادبیات است. "آیه های شیطان" به چند زبان ترجمه شده و در حال حاضر فروشی سرسام آورده. تنها در ایالتیالیسی یک هفته ۱۵ هزار جلد آن بفروش رفته است. در آمریکا نیز با استقبال عمومی مواجه شده و "شیرمان خوانی" که آیه های شیطان در آن قرائت میشود برگزار گردیده است. روزنامه های یوکسلای نیز دست به ترجمه و انتشار ریاضی گونه ای این کتاب زده اند. روزنامه TAZ (منتشره در برلین غربی) نیز دست به انتشار بخش هایی از این کتاب زد که با فروشی غیر قابل تصور مواجه روزنامه بسرعت نایاب شد.

جمهوری اسلامی

مخالفین خود در خارج کشور را نیز

ترور میکند

هوادران چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش رها شبخشن خلقهای ایران) اروپا و سازمان دانشجویی ۱۹ بهمن در آمریکا هوادار چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش رها شبخشن خلقهای ایران) طی اطلاعیه ای اعلام کرده اند یکی از رفقایشان بعد از ظهر روز سه شنبه ۸۹/۲/۷ هنگام خروج از اداره مطبوعات شهر کینیا گ طی برنامهای که از پیش توسط ارگانهای جاسوسی و تروریستی رژیم فدا خلقی جمهوری اسلامی در دستارک طرح ریزی شده بود، مورد حمله مزدوران حزب اللهی قرار گرفته و به ضرب گلوله مجروح و روانه بیمارستان میگردد. پلیس شهر کینیا گ به بهانه عدم توانائی محافظت از زخمی از خود سلب مسئولیت نموده است. این کار حدودا همزمان با سفر "گرچی" مزدور تروریست شناخته شده ای که چندی پیش از فرانسه خارج شده بود و هم اکنون مورد استقبال مقامات دانمارکی قرار گرفته، صورت پذیرفته است.

اطلاعیه مذکور کلیه نیروهای انقلابی و شبه هشیاری، افتا گری و اقدامات متحد علیه توطئه های تروریستی مزدوران جمهوری اسلامی که جهت ایجاد رعب و وحشت در میان ایرانیان مبارز و انقلابی صورت میگیرد، فرا خوانده است.

نکاتی پیرامون گزارش دهی

لطفه و اردسا زد، در عین حال، لازم است که ارگانهای رهبری و مسئولین واحدها و یا رشته های تخصصی، برای تقویت و تسهیل امر رهبری سیاسی - تشکیلاتی و کاهش ضایعات ناشی از تاخیر گزارشات کامل دوره ای، از ارگانها و روابط تا بینه خود بنا به ضروریات پیش گفته، گزارش جاری طلب نمایند.

در اینجا ضروری است به یک نگرش انحرافی که میتوانند در ارسال گزارشات جاری و تشخیص ضرورت آن اختلال بوجود آورد، نیز اشاره گردد: نگرش که گزارشات جاری را در تقابل با خود مختاری واحد های پایه ارزیابی کرده و به عبارت دقیق تر وجوه گوناگون سبک کار کمونیستی را در یک مجموعه همبسته مورد بررسی قرار نمی دهد. چنین درکی به دلیل گرایش محلی گرا یا نه، خود اولا نقش رهبری ارگانهای بالاتر را مورد سوال قرار داده و تنها صورتی از آن باقی میگذارد و ثانیا در قبضه اهمیت تاثیرات مجموعه، مسائل یک منطقه در سطح عمومی، به نحوی لیبرالی بی تفاوت و منفعل برخوردار می نماید. حال آنکه اصل خود مختاری حوزه ها و سازمانهای حزبی، در برابر اصل رهبری سیاسی - تشکیلاتی ارگانهای بالاتر قرار نداشته، بلکه خود جلوه ای از تدقیق و تکمیل اصل رهبری سیاسی - تشکیلاتی است. به همین ترتیب، خود مختاری حوزه ها به تنها در مقابل گزارش جاری قرار ندارد، بلکه پیشتر در صحیح آنرا فرموله میکند. همچنین برای روشنتر شدن جایگاه گزارش جاری باید تاکید نمود که مسئولین و ارگانهای رهبری به هیچ وجه نباید گزارش جاری را به گزارش روزمره تبدیل کرده و به نوعی دخالت روزمره را در عمل سازماندهی نمایند.

روشن است که در زمینه شکل ارسال گزارش جاری هیچ محدودیت معینی نمی توان قائل شد و به تناسب اهمیت و تنوع موضوعات و رویدادها میتوان اشکال و ویژه ای را بکار گرفت. یک خبر بسیار مهمتر نمی توان به ارسال نامه مقید کرد، حال آنکه جمع بندی سیاسی از آن نیازمند روشنگری بیشتر بوده و طبیعا بطور کتبی باید انتقال یابد. از سوی دیگر میتوان مغفلات تشکیلاتی پیچیده تری را تصور نمود که برای گزارش و حل و فصل آن نشست مشترک ضروری است. بنا بر این میتوان گزارش جاری را متناسب با مضامین آن، به اشکال و شیوه های گوناگون به ارگان بالاتر ارائه نمود. مهم این است که این وجه از گزارش دهی نیز در مجموعه سبک کار حزبی و واحدهای سازمان وارد شده و برای پیشبرد بهتر کارها و برای ارتقاء کیفیت رهبری سیاسی - تشکیلاتی منطما بکار گرفته شود.

مهم اما زنجیر مسئولیتها، تقسیم کار، انتقاد و انتقاد از خود... و یا یک مغفل معین در زمینه، سازماندهی و غیره میتوانند مضمین گزارشات جاری را تشکیل دهند.

اهمیت گزارش جاری

عنصر زمان به مثابه یک عامل مهم و پایه ای در کارکرد یک سازمان کمونیستی اهمیت برجسته ای دارد. بدون تاکید بر این عنصر سازمان کمونیستی قدرت برخورد سریع و بموقع نسبت به مجموعه مسائل سیاسی و تشکیلاتی را از دست داده و بصورت یک محفل آکادمیک و مغفردرخواه آمد. زمانیکه شتاب حوادث تحریک ویژه ای را در سیاستگزاران واقع بینانه و تاخیرات کتیکهای مناسب و بموقع جمع بندی سریع آنها طلب میکند، رهبری سیاسی - تشکیلاتی و نظارت عموم تشکیلاتی و توده ای برای تأمین ارتباط تنگاتنگ و عقب نماندن از حوادث علاوه بر گزارشات دوره ای که خلعت جمع بندی از فعالیت یک دوره معین را در راست، برگزارشات جاری متکی است. یک واقعه مهم سیاسی نه تنها اطلاع سریع ارگانها و دیگر اجزای جهت عکس العمل مناسب طلب میکند بلکه سوزهاست که خواست عموم تشکیلات و حتی توده ها را احداثی برای اطلاع برمی انگیزد. یک اختلال جدی در کارکرد درونی یک سازمان پایه اگر بموقع گزارش نگردد، ممکن است به گسستگی کامل بندهای تشکیلاتی منجر شود. اگر جمع بندی بموقعی از مشکلات و موانع پیشرفت یک سیاست اتخاذ نشده نرسد، نیروی زیادی از سازمان هرزخواهد رفت. اگر سازمان کمونیستی نتواند با توجه به روانشناسی توده ای و خواست عمومی آن سازمان، نسبت به یکسبک واقعه مهم سیاسی و نتایج یک سیاست اتخاذ شده و یا یک اختلال تشکیلاتی عکس العمل بموقع نشان دهد، موجب گسستگی در اراده و احساس سازمانی و کاهش پایه توده ای آن خواهد شد. رهبری فعال، بدون اطلاع سریع و بموقع از وقایع ناممکن است. و این امر بدون تردید پیوندی عمیق با گزارش دهی بموقع یعنی گزارش جاری دارد.

هر سازمان پایه، فعال و منضبط، در مجموعه کارکردهای سازمانی، با مواردی روبرو میشود که بلحاظ سیاسی و تشکیلاتی اطلاع آنرا به ارگان بالاتر ضروری تشخیص میدهد. از آن جمله نامسواری که بلحاظ سیاستگزاران از ابهامات معینی برخوردارند یا مواردی که بلحاظ اهمیت موضوع از محدوده مسئولیتها یک واحد یا به فراتر میرود. طبیعاست که عدم گزارش بلافاصله موضوعاتی از این دست به ارگانهای بالاتر، اصل رهبری تشکیلاتی را خدشه دار کرده و میتواند به آنجا مواستحکام تصمیمات

ساختار لیسدمکراتیک مشخصه اصلی یک سازمان کمونیستی است. هرگاه این مشخصه را نه از دیدگاه اساسی، بلکه بلحاظ کارکردی و در واقع مضمون عینی آن مورد بررسی قرار دهیم، ساختار لیسدمکراتیک عبارت خواهد بود از نظام یا کالبدی که در آن توسط اجزای و شاخه های حسی خویش تمامی رویدادها و تغییرات حاصله در محیط پیرامون را به مرکز رهبری منتقل کرده و سپس از تمرکز و تجزیه و تحلیل فاکتورها، آگاهی کاملتر و همه جانبه تری را مجددا به اجزای منتقل می نماید. تا هماهنگ و یکپارچه و امکان لازم را نشان دهند. و بدینسان در یک جریان دائمی از ارتباط متقابل میان اجزای و مرکز رهبری کل نظام به ثبوری روشنتر و به پراستیک دقیقتر دست می یابد.

بدین ترتیب بدون گزارش دهی دائمی، متنوع و همه جانبه از پائین به بالا لایه لایه سازماندهی فعالیت کمونیستی غیر ممکن خواهد بود. هر اختلال در مرکز ارشدی، به معنای اختلال در وجوه گوناگون فعالیت کمونیستی خواهد بود. بدین معنی که نه می توان بر مبنای اطلاعات و تجارب گوناگون کل اجزای سازمان سیاست و تاکتیک درست اتخاذ نمود، نه میتوان نسبت به اینکه سیاست و تاکتیکهای اتخاذ شده تا چه میزان منطبق بر واقعیت بوده و در پیرامون تیک طبقه کارگر و توده ها جاری شده است، درک روشنی یافت، نه میتوان از جایگاه و قدرت واقعی سازمان در تمامی حوزه های مبارزاتی شناخت دقیقی بدست آورد و یا از طرف واحدت سیاسی - ایدئولوژیک و اراده و احساسات و اقدامات می ارگانها و اغما و هواداران پی ریزی نخواهد شد.

در مورد اهمیت گزارش دهی و اشکال و مضامین آن قبلا به مناسبتهای مختلف، از طریق ارگان مرکزی و رهنمودهای ارگانهای مسئول سخن گفته شده و هر بار جنبه ای از این عنصر حیاتی فعالیت کمونیستی تشریح شده است. اینک دلایل ضعف گزارش دهی در سازمان ما چیست؟ گزارشات ارسالی توسط رفقا دارای چه نواقعی است؟، محورهای اساسی گزارشات تشکیلاتی سیاسی چه باید باشد؟، و یا نقش گزارشات منظم دوره ای از جوانب گوناگون فعالیت در برابر لایردن کیفیت کار ارگانهای رهبری و کنترل عمومی بر چگونگی پیشبرد سیاستها و تصمیمات اتخاذ شده چیست؟ از جمله مضامینی بوده که مورد بحث قرار گرفته اند.

اینک ضروری است بر شکل دیگری از گزارش دهی، یعنی ارسال گزارشات جاری تا کید تا نیمه اهمیت و جایگاه آنرا در کارکرد یک سازمان کمونیستی روشن سازیم. گزارشات جاری، گزارشات هستند که در فواصل گزارشات دوره ای، بر حسب موضوعات ویژه و اتفاقات مهمی که اطلاع ارگان بالاتر را تنها ضروری است، تنظیم و ارسال میگردد. بعنوان نمونه گزارش مربوط به یک حرکت اعتراضی و جمع بندی آن، گزارشات خبری، اسناد مربوط به یک برخورد تشکیلاتی

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

نامه‌ای از ایران ...

پن تحلیل میوزند .

در این رابطه برخورد های چندی با مسافرین یکی از خطوط خارج شهردا شتم مسافرینی که از طرح جدید خبر ندا شتند و غالباً با تهیه بلیط وارد اتوبوس شده بودند . پس از اینکه اتوبوس کا ملاحظه شد ، را ننده با لایحه در ب راست و با صدای بلند گفت : " برادر او خوا هرا ، دو تو من پول خرد آ ما ده کنن " و از اولین ردیف شروع به جمع آوری کرایه ها کرد . همه ما میان مسافرین افتاد ، هر کسی چیزی میگفت ، عده ای صحبت را ننده را به شوخی تعبیر کرده و هنسوز بلیط در دست دا شتند ، بعضی ها میگفتند که اگه کسی بلیط ندا شت پول شوبا یدیده ، که صدای مجدد را ننده تقریباً همگی را از بلاتکلیفی نجات داد ، وی خیلی جدی و آ مرانه گفت : " از این به بعد شوی این خط اعلای بلیط نمی گیریم ، پول نقد با یدیدین ، تا زه ممکنه چند روز دیگه همه اتوبوس های شرکت واحد

طبق طرح جدید شرکت واحد ، اتوبوس های که در مسیرهای خارج از شهر نقل و انتقال مسافرین را به عهده دارند ، در طرحی آزمایشی ، از اول مهر ماه ۲۰۰۰ به جا و در بلیط اتوبوس ۲۰۰ ریال کرایه نقدی دریافت میکنند ، ظاهراً شرکت واحد سرعت درجا بجایی مسافرین این خطوط را علت اتخاذ این چنین تصمیمی عنوان کرده است و در این رابطه با صلاح امتیازاتی نیز برای رانندگان مسیرهای لسوق الکتروکراشل شده ، به این ترتیب که هر یک از آنها ملزم به پرداخت روزانه ۶۰۰۰ ریال به شرکت شده اند و در آمدن آنها از آن خودشان خواهد بود ، شکی نیست که هدف اصلی این ترفند جدید شرکت واحد در درجه اول ایجا دشگافه بین کارگران و رانندگان زحمتکش میباشد ، چرا که این پوئنهای نسبی و مقطعی که تنها شامل بخشی از آنان می شود میتواند به اتحاد و خواست جمعی آنان که حول آضا فته دستمزدمتورگسز گردیده است ضربه بزرگی وارد آورد ، و در شانی عدم توانائی و با سخگوشودن شرکت واحد به نیا مردم رالابوشانی کرده و انظارا متوجه این مسئله نمایند که این رانندگان شرکت هستند که درجا بجای مسافر -

پولی بشه فعلا برای خارج شهر آزمایشی گذاشتن ، لطفاً پول خریدیدین ، از فردا هیچکس با اسکناس سوار نشه . " مجدداً همه ما فرین همراه با خند و نوعی تعجب شروع شد ، همه به تفرات دندوب و ارس جیبها یشان دنیا ل پول خریدی گشتند . مرد جوان و شومندی با صدای بلند گفت : " آقای راننده این دیگه چه بازی ایه . ما سب که میا بیم بیرون ، بچه ها پول خریدی مون نمی زارن بمون ، تا زه تا برسیم اینجا دو کورس سواری سوار میشیم ، دیگه پول خریدی نمی مونه ، بطلاه برای شرکت واحد چه فرقی می کنه . " راننده که تقریباً به نیمه های اتوبوس رسیده بود شانه ها یش را بالا انداخت و گفت : " والله من چه میدونم ، هر وقت آمدن ابروش رود رست کنن چشگور کردن ، تقصیر ما نیست ، ما منت شما کارگرم هر حرفی دارین رئیس خط اون باشینه " . پیرسردی با خنده و با صدای بلند گفت : " آقای راننده خالاجقدش به خودتون میرسه ؟ " حالت محبت پیر مرد و سکوت جمع که منتظر شنیدن جواب راننده بودند را خیلی راحت کرده و ادا رشگودتا آنچه در دل دار د بگوید ، او



فراخوان برای همکاریهای انترناسیونالیستی

سوئد - استکهلم

و احدا استکهلم سازمان به همراه نمایندگان جبهه فاعرا بوندومارتی (السالوادور) بمنظور ایجا د امکان برای همکاری های رفیقانه و کمونیستی در سطح بین المللی از چند وقت پیش اقداماتی را آغاز کرده اند ، اولین حاصل این همکاری انتر - ناسیونالیستی جلسه ای بود که در تاریخ ۱۱ فوریه ۱۹۸۹ در شهر استکهلم بدعوت سازمان کارگسران انقلابی ایران (راه کارگر) - و احدا استکهلم و جبهه فاعرا بوندومارتی (السالوادور) تشکیل گردید .

برای این جلسه از همه سازمانها و احزاب انقلابی و کمونیست کشورهای مختلف دعوت شد . فعلاً لیت دارند دعوت رسمی بعمل آمده بود ، که حزب کمونیست ما رکیست لنینیست انقلابی سوئد (KPMI (P) و میرشیلی بطور فاعرا لانه در آن شرکت نمودند . غیر از این دو حزب سازمانها و گروههای دیگری نیز نمایندگان و یا اعضاء و هواداران در این گردهمایی حضور پیدا کردند .

در این گردهمایی سه جریان به معرفی احزاب و سازمانهای خود پرداخته ، برخی مسائل نسوری و اکتوشل را برای شرکت کنندگان طرح نمودند .

اولین سخنرانی توسط نماینده KPMI (P) انجام گرفت که رفیق سخنران در مورد تاریخچه تشکیل حزب و بافت طبقاتی جامعه سوئد توضیحاتی داد . وی همچنین اظهار داشت که : " ما نمی توانیم از سندیگ های کلاگری موجود در سوئد جدا بیت کنیم ، چرا که آنها ابزار ی در دست سرمایه داران بسزرگ هستند ، در سال گذشته علیرغم تنزل سطح دستمزدها در سوئد ، سرمایه داران سوئدی سهم بزرگتری را از سودها به جیب زده اند ، شدت استثمار کارگران در سوئد یکی از بالاترین سطوح آن درجهان سرمایه -

خواهیم کرد ، ما این به معنی رو برتافتن از راه - حلهای سیاسی نیست ، در شرا یطی که دولت آما دگی پذیرش راه حل سیاسی را ندا رد ، جبهه با ید زلحاظ نظامی قدرتمند گردتا بشوا ندفشارهای لازم را در این زمینه به دشمن وارد کند ، از این رو حمایت انتر - ناسیونالیستی از ما ضروری است . " وی همچنین اطلاع داد که جبهه قصد دارد در ماههای آینده نظا هرات در شهرهای مختلف سوئد برای حمایت از پیشنها دات جبهه برپا دارد .

در پایان نماینده ای از سازمان ما به تشریح تاریخچه و تاسیس سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) پرداخته ، رشد سرمایه داری در ایران ، اصول وحدت های حزبی و جبهه ای سازمان را توضیح داد ، به روشن کردن شرایط کنونی حاکم بر کشور ، رژیم اسلامی و از جمله قتل عامهای اخیر زندانیان سیاسی توسط رژیم جنایتکار اسلامی پرداخت .

در قواسل سخنرانی ها ، برنا مه های کوتاه هنری از ایران و السالوادور اجرا گردید ، گردهمایی با سرود انترناسیونال در حالیکه رفقای شرکت کننده از کشورهای مختلف آنرا یکمدا به زبا نهای خود میسرودند و با خنده و با صرف غذا های ایرانی و السالوادوری و گفتگو بین میهمانان به پایان رسید .

شرکت کنندگان در جلسه ، گردهمایی را موفق ارزیابی نموده و به ضرورت تدابیر و موعکسترش آن برای ایجا دوا حیات یک همبستگی انترناسیونالیستی تاکید کردند .

در پایان همین گردهمایی قطعنامه پیشنهادی رفقای ما در سوئد برای تشکیل یک کمیته همکاری مور دتوافق جبهه فاعرا بوندومارتی قرا رگرفت و تصمیم بر آن شد که برای شروع اقدامات عملی از همه سازمانها ، احزاب و گروههای انقلابی کشورهای دیگر از جمله تیلی و پرونیز برای شرکت در این کمیته دعوت بعمل آید .

داری است ، کارگرو سوئدی در ۸ ساعت کار روزانه سه بیش از کارگر ژاپنی که حتی ساعت کار روزانه اش بیش از ۸ ساعت است تولید میکند ، سرعت تولید در سوئد بالاترین سطح درجهان را دارا است ، ژاپنی ها که در استثمار کارگران معروف هستند برای یادگیری از سوئدی ها داتما به اینجا می آیند ! امروزه اگر چه ما حزب کوچکی هستیم ما معتقدیم که آینده از آن ماست ! "

سخنران بعدی از جبهه فاعرا بوندومارتیسی PMIAN بود که به توضیح شرایط اجتماعی و مسائل انقلاب در السالوادور پرداخت ، وی از جمله گفت که : " آمریکا از طرح انتخابات ماه مارس که از جانب دولت دست نشاندده السالوادور برگزار خوا هدگردید حمایت میکند ، اما انتخاباتی دروا قسمت برگزار نخوا هدگردید ، چرا که شرایط برای آن آماده نیست ، ارتش مزدور همچنان حاکم است و جنگ داخلی کماکان ادامه دارد ، ما جبهه آما دگی خود را برای شرکت و حمایت از انتخاباتی در مقدمات دمکراسی فراهم کرده و در ماه سپتامبر برگزار میشود اعلام کرده است . تا آن زمان با یداختناق مرگ از میان بیرونیرو - های آمریکا ش ازالسالوادور خارج گردند ، جوخه های مرگ منهدم گردیده ، حالت فوق العاده از میان برداشته شود ، پیشنها دجبهه فاعرا بوندومارتی در میان توده های السالوادوری از حمایت برخوردار است ، ما این پیشنها دات بعنوان راه حل سیاسی بحرانی از جانب آمریکا و دولت السالوادور تماسا رده شده است ، بهمین دلیل جنگ داخلی شدت با زهم بیشتری خواهد گرفت ، السالوادور در مدت کوتاهی به حالت انفجاری درخوا هدآمد .

ما هم اکنون از شیوه های مسلحانه برای برقراری یک دمکراسی واقعی استفاده میکنیم و

سردرد دل همه مسافرین را که عمدتا کارگرهای کارگاهها و واحدهای کوچک و بزرگ خارج شهر بودند را با زکرت آنها از نداشتن سرویس، از نداشتن غذا، کمی حقوق و... گلایه ها داشتند.

یکی از توبوسهای داخل شهر که در منطقه جنوبی و سیما رشلوع تهران جمعیتی بیش از سه برابر ظرفیت را در خود جای داده بود در پی جنب و جوی راه میبردند چرا که روی کارها بیش هم دوسه نفری خود را آویزان کرده بودند. راننده که مرد جوان و خوش مشربی بود، مدا مفا فرین شوخی میکرد و می خندید. من که نزدیک وی به صندلیها پرس شده بودم با صدای نسبتا بلند که اطرافیان نیز بشنوند گفتم: "آقای راننده خیلی خوشحال هستی که قراره اتوبوسها پولی بشه!" راننده با دلخوری گفت: "نه داداش، خوشحالی من از جای دیگه است این که شما میگی خوشحالی نداره، فکر تو بکن با این جمعیتی که من سوار رکردم یک نفر مدت منسی بده و من بخوا مبقیه شوست به دست بهش برسوم، چه وضعی پیش میاد، کمانی که این طرح رودادن تو عمرشون سوار اتوبوس نشدن، املا توبوسهای جنوب شهر و با این وضعیت تو خوا ب من ندیدن، ای بسن برنا مه دریک کلام فقط برای به جون هماندا ختن کارگراست، والله که دلشون بحال ما سوخته چرا حقوقمون رودرست نمی کنن، خیلی از رانندهها شدیدبا این موضوع مخالفن و اعتراض کردن اما بعضی ها هم هستن که برای رفتن به خطوط خارج شهر سروسخت میشکنن، اما من بشنوبه خودم اطلاقبول

ضمن جمع آوری گرایه ها، با خوشرویی و خنده گفت: زاستش قراره روزی ۶۰۰ تومان بدیم به شرکت بقیه اش مال خودمونه، اما چه فایده دوروزدیگه ممکنسه جمعش کنن، بنازه این چیزا نمکی و ساش ما نیست، از همه بدتر اینکه همه کاسه کوزه ها روسما شکستن و گفتن شما تو ایستگاه ننگه نمی دارین، وگلاز میدین و میرین و مافرا می مونه، حالبا ایسن برنامم خواستن که ما برای پولشم که شده توهمسه ایستگاهها و ایستیم، اما معلوم نیست که ما فرا رو کجا با یدسوارکنیم، ما که از اول خط پُرپریمی رسم خودتون شادین، به کمی هم که پولش بدیم هیچکسدم شما به سرکارتون بموقع نمی رسین، والا ما تا حالاش با این مردم حضرت عباسی تا کردیم، بعد از اینم فرقی بحال ما نمی کنه درسته که روزی ۱۰۰، ۱۵۰ تومان برای من ممکنه بمونه ولی چه فایده، معلوم نیست که داداشی باشه، از اون گذشته مگه خطهای خارج شهر چندتا راننده دارن، بگذریم که حال دوسه برابرش کردن، اما اینهمه راننده تو شرکت هست، با یدیه کار اساسی صورت بگیره، با ید حقوقها درست بشه هم حقوق ما و هم حقوق شما، با صلاح حقوق کارگر با خروجی ما روزی جور در نیما د. در این هنگام راننده پشت فرمان نشست، به پیرمرد داد: "برای سلامتی همه کارگرا، علی الخصوص کارگری شرکت واحد صلوات! جمعیت با خنده و صدای بلند صلوات فرستادند، اتوبوس حرکت کرد اما صحبت های راننده

ندارم که به امتیازی به بیهوده بیدی و دیگران رو نسبت به آنها بدبین کنی، حقوق همه کارگرا خصوصا کارگری شرکت واحد کمه و الا ن خیلی وقتسه حرفش هست، ونا هم مدا موعده و وعید میدن، دست آخر هم همچی طرحی پیا پیاده کردن که تیشه به ریشه کارگر میزنه، آخه بدبختی اینه که این مسئله بنفع مردم هم نیست، چه فرقی برای مردم میکنه که بلیط بدن یا پولشو، ونا میخوان سربستریه تر به کارها شون برس، جوانی گفت: "پس بعد از این با ید بلیط فروشها بجای بلیط به مردم پول خوردن!" زنی که در ردیف دوم نشسته بود گفت: "تا ید میخوان اتوبوس رو کرون کنن"، راننده گفت: "نه آجی، فعلا این مسئله نیست همونی است که من گفتم، اما مسلما وقتسی اتوبوس اینطوری بشه ورودی تا کسی هم کرون میشه و فردا بقال و چقال هم میبینن، اه کارگرا خودکفا شدن! و دارن برای درآمد بیشتر تو خیابونا، بسلا نسبت سگ دومیزنن، و نم به لاله لامیکنه". مردی که تیپ کارمندی داشت گفت: "تا ید این طرح به این علتسه که گفتند هر روز رتخونه یا هراده را به ید خرج خودشون داره، حال شرکت واحد هم چون نمیتونه حقوق شما روزیا دکنه میخواد دکاری کنه که خودشما از تسو خیابونا به تومنی جمع کنید، یعنی با همدیگه مسابقه پول جمع کردن بذارین." راننده گفت: "حرف منم همین بود که شرکت میخواد ماها بجون هم بیفتیم و ونا با خیال راحت به دزدی ها شون برس، مت مدبرعا مل مترو که، هنوز هیچی نشده دزدید و در رفت."

دست آوردها له حکومت فقها

روزیم دهمین سال تولدش را جشن میگردد، ده سال ترور و وحشت، خفقان، شکنجه و اعدام و در کنار اینها فقر، گرسنگی، بیکاری، فقر بهداشت و خلاصه نبودن حداقل امکان برای یک زندگی بخور و نمیر ده سال حاکمیت رژیم ما میتوان در چهره تک تک این کودکان دید و شرایط زندگی والدینشان را در نظر آورد که درجه موقعیتی بوده اند تا توانسته اند جگر گوشگان خویش را در خیابان رها سازند تا حداقل خودشان هدمرگشان نباشند، از این نمونه ها فراوانند. این کودکان تنها در یک شما ره کیهان (ه بهمن) اما میشن آورده شده است و تا زه کودکانی را تا مسل میگردد که در تهر ان رها گردیده اند، هر روز از این گونه آگهی ها در روزنامه ها فراوان می توان دید. این تنها یک گوشه کوچک از دست آورد حکومتی است که فقها سکا نند و آنند.

عکس فوق متعلق به دختر بیملی ۴ ساله است که در تاریخ ۱۳۷۱/۰۳/۲۷ میل ضمن حضرت مسعود مکتوب شده است با نام امینا

عکس فوق متعلق به دختر بیملی ۴ ساله است با نام امینا

عکسهای فوق متعلق به خواهر و برادری جنود تاریخ ۱۳۷۴/۸/۲۷

عکس فوق متعلق به دختر بیملی ۴ ساله است که در تاریخ ۱۳۷۱/۰۳/۲۷ میل ضمن حضرت مسعود مکتوب شده است با نام امینا

عکس فوق متعلق به دختر بیملی ۴ ساله است که در تاریخ ۱۳۷۱/۰۳/۲۷ میل ضمن حضرت مسعود مکتوب شده است با نام امینا

عکس فوق متعلق به دختر بیملی ۴ ساله است که در تاریخ ۱۳۷۱/۰۳/۲۷ میل ضمن حضرت مسعود مکتوب شده است با نام امینا

عکس فوق متعلق به دختر بیملی ۴ ساله است که در تاریخ ۱۳۷۱/۰۳/۲۷ میل ضمن حضرت مسعود مکتوب شده است با نام امینا

عکسهای فوق متعلق به دو برادر ۳ ساله و ۲ ساله می باشد، اطفال در تاریخ ۱۳۷۲/۰۳/۲۷ در حوزره بسایگاه گلشنی ۳ رجا گبر دیده شده به اطفال یک

عکس فوق متعلق به دختر بیملی ۴ ساله است که در تاریخ ۱۳۷۱/۰۳/۲۷ میل ضمن حضرت مسعود مکتوب شده است با نام امینا

عکس فوق متعلق به دختر بیملی ۴ ساله است که در تاریخ ۱۳۷۱/۰۳/۲۷ میل ضمن حضرت مسعود مکتوب شده است با نام امینا

عکس فوق متعلق به دختر بیملی ۴ ساله است که در تاریخ ۱۳۷۱/۰۳/۲۷ میل ضمن حضرت مسعود مکتوب شده است با نام امینا

عکس فوق متعلق به دختر بیملی ۴ ساله است که در تاریخ ۱۳۷۱/۰۳/۲۷ میل ضمن حضرت مسعود مکتوب شده است با نام امینا

آما رسخن می گویند

۵ تا ۶ میلیون پرونده مالیاتی در ایران وجود دارد که حاکی از وصول درآمد و فشاژان براقشار متوسط و کم درآمد است.

از شهریور ۵۹ تا اوخر سال ۶۵ بخش کلان مبلغ ۷۰۰ میلیار تومان مالیات، به دولت بدهکار است.

تجار، ووش پنبه را کیلوسوی ۱۳ تا ۱۵ تومان از تولیدکننده میخرند، پنبه را کیلوسوی ۵۰ تا ۶۰ تومان در بازار میفروشند و خصل از آن را کیلوسوی بیش از ۲۰۰ تومان به قالیباف.

سروششت یک میلیون قالیباف استان خراسان در دست ۲۰۰ تاجر قالی است. (آما رفوق از کیهان هواشی ۲۸ دی استخراج شده است.)

توزیع داروهای فاسد

بین مردم

خریدار زخارج یکی از منابع کسب درآمد برای سردمداران رژیم است. هر با خرید کلا فی است صدها هزار دلار به جیب ما مور خریدار و ریز نماید. پس از زدوبندهای خریدار سلحه و ماشین آلات صنعتی و ... اکنون نوبت به مواد دارووشی رسیده است. جریان امر در مجلس رژیم بدین شکل با زتاب یافته است که دولت نه تنها "دارو و مواد اولیه دارووشی را از کارخانجات غیر معتبر و واسطه ها" میخرد بلکه "داروهای فاسد و غیر قابل مصرف" را در سطح کشور جهت مصرف توزیع می نماید و به "اجرای ضوابط و مقررات فنی لازم در خرید دارو" هیچگونه نظری ندارد و علاوه بر آن "خرید داروهای فاسد و کشورهای جعلی و با قیمت های غیر واقعی" از کشورهای خارجی صورت گرفته و بسیاری اینکه جریان آشکار نگردد و طرح "توزیع و مصرف سریع داروهای اضافی و فاسد" به اجرا درآمده است، این امر "خارج از شبکه رسمی به شرکتهای غیر واقعی که منجر به ورود آنها به بازار آزاد گردیده است" تحقیق یافته است. (نقل قولها از بحثهای مجلس رژیم - کیهان ۱۲ بهمن)

به عبارت ساده تر سران رژیم برای اینکه جیبهای خویش را پر بگردانند، علاوه بر سوسیست و حق دلالی و غیره دارو فاسد از خارج خریداری میکنند و برای اینکه حتی فاکتورهای جعلی نیز تشریب میدهند و تازه به این بسنده نکرده، با ورود آن به ایران آنها را از طریق عوامل خویش در بازار آزاد به چند برابر نرخ دولتی میفروشند.

ها شمی رفسنجاننی

رئیس جمهور آبینده

ها شمی رفسنجاننی از جدی ترین افراد گروه طرفدار تغییر قانون اساسی است، او مدتها بود که میگفت با یقدرت ریاست جمهوری زیادتر گردد و پست نخست وزیری در آن ادغام گردد، سرانجام دم خروس از پس این حرفها بیرون آمد و شایعات جای خویش را به او قعیتم داد، آقای رفسنجاننی ابتدا خود در جمع شرکت کنندگان در "کنگره زن" اعلام داشت که نامزدی وی برای احراز پست ریاست جمهوری مطرح است و بدینسان آن خا منهای درمما حبه با کیهسان هواشی مطرح نمود که "تصور میکنم که بهورت طبیعی هر کسی که به صحنه ایران نگاه کند، چشمش به آقای رفسنجاننی خواهد افتاد" و او از "بهترین ها، کار - آمدترین ها و مجرب ترین ها و شایسته ترین ها" برای ریاست جمهوری است، در خبرها صحبت از این است که دو گروه "روحانیت مبارز" و "روحانیون مبارز" نیز تصمیم دارند و را کاندیدای پست نمایند، بدین ترتیب از هم اکنون میتوان از رفسنجاننی بعنوان رئیس جمهور آبینده ایران نام برد.

معا دن نیز به بخش خصوصی

واگذار می شود.

سرانجام مدبریی قرار دادن مدارس، دانشگاه، کارخانها در دست بخش خصوصی، معا دن نیز در اختیار بخش خصوصی قرار خواهد گرفت، این مطلب را کسه معاون وزیر معادن و فلزات آشکارا داده است، اعلام نمود که "۱۵ طرح صنایع معدنی فلزی با حجم سرمایه گذاری یکصد میلیون در برابر توسط بخش خصوصی به اجرا درخواهد آمد که صرفه جویی ارزی سالانه ۲۱۲ میلیون دلار به همراه دارد" و همچنین "۳۷ طرح نیز در صنایع معدنی غیر فلزی با سرمایه گذاری ۱۲ میلیون در برابر و صرفه جویی ارزی یکصد میلیون دلار اجرا خواهد شد". بوی دلار از یک طرف و از طرف دیگر "فرصتی که برای بازسازی کشور پیش آمده" باعث شده که رژیم "با استفاده از امکانات تخصصی و سرمایه های معنوی داخلی و امکانات مادی جامعه، زمینه رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور را فراهم سازد. (نقل قولها از کیهان ۵ بهمن)

گفتنی است که هم اکنون تعداد ۸۰۰ معدن در ایران مشغول بکار است که بقول همین منبع طسی ۹ ماهه سال جاری تنها ۳۵ هزار تن مواد معدنی به خارج از کشور صادر نموده است، طی همین مدت کلا ۳۲ میلیون تن انواع مواد معدنی استخراج شده است.

آوارگان جنگ شبها را در قبرستان ها می خوابند.

اداره صورت گرفته است، گفت که سو استفاده و خط با زیبهای سیاسی در این بنیاد کار را بجای رسانده است که پس از ۸ سال در بدری و رنج، بسیاری از آوارگان آبادانی و غر مشهری شبها را بدون سرپنجه در قبرستانها می خوابند.

گزارشی از مرکز روائ پزشکی رازی

مرکز روائ پزشکی رازی در نزدیکی تهران در مساحتی حدود صد هکتار مربع زمین در کنار دامنه کوه بی بی شهر با نور قرار دارد. در طرفین آن دو کارخانه سیمان واقع شده در نتیجه هوای آلوده اولین چیزی است که نظر آدم را جلب میکند.

بیمارستان رازی که حدود ۶۷ سال پیش ساخته شده، اولین مرکز روائ پزشکی ایران محسوب میشود که قبلا در السجانین نامیده میشد. این مرکز هم اکنون ۱۲۰۰ بیمار روائی را در خود جای داده است رئیس این بیمارستان میگوید: "روی هم رفته ۱/۵ میلیون نفر بیمار روائی در سطح کشور وجود دارد که با نمد هزار نفر آن از بیماران اسکیزوفرنسی" رنج میبرند. یک میلیون نفر بقیه هم نیا زانند که سالی یکبار بستری شوند و تحت درمان قرار بگیرند. در حال حاضر بسیاری از استانهای کشور مثل لرستان، مازندران و ... بیمارستان روائی ندارند. در سال ۵۸ تعداد روائ نیزشکلان این مرکزی نفر بودند که این رقم در حال حاضر به ده نفر تقلیل یافته است."

در بخش قارایی این مرکز ۵۶ بیمار بستری هستند که تنها ۴۰ نفرشان تخت دارند و بقیه روی زمین می خوابند. اتاقها سرد و بدون بخاری هستند.

در بخش شهید تیمیمی این مرکز که محیطی تاریک، کثیف و سرد دارد نظرف دو ماه گذشته بواسطه سردی هوا، بنداشتن لباس، غذا و ... هشت بیمار روائی جان خود را از دست داده اند. در این بخش از تخت و تشک خبری نیست. در کل بخش یک بخاری وجود دارد. به هر بیماری یک پتو داده اند که با بدبختی بر روی بیماران با کسمو غذا مواجند.

مطلب فوق خلاصه ای بود از گزارش به همین نام از کیهان ۱۳ بهمن ۶۷. در کنار این گزارش این نکته نیز گفتنی است که در ایران طبق آمار روزبه روز بر تعداد بیماران روائی افزوده میشود.

نتایج سرشماری

اجتماعی - اقتصادی عشا پیرایان

از سوی مرکز آمار ایران آخرین نتایج سرشماری اجتماعی - اقتصادی ایران بدین شرح اعلام شد: بر اساس اطلاعات بدست آمده از این سرشماری بالغ بر ۹۶ ایل و ۵۲۷ طایفه مستقل به شیوه کوچ نشینی در سراسر ایران زندگی میکنند که مجموعا ۱۸۰۲۲۳ خانوار را با جمعیتی برابر ۱۱۵۲۰۹۹ نفر در بر میگیرند.

جامعه عشایری ایران که اندکی پیش از ۲ درصد جمعیت را تشکیل میدهند، تعداد ۹۲۸۲۸۴۶ نفر گو سفند و بره و ۷۶۷۸۲۵۵ را سبز و بزغاله نگه دار می کنند و در واقع عمده ترین تولیدکننده دام کوچک و فراورده های دامی در کشور به شمار میروند. از نظر اقامتگاه نیز ۹۳/۶ درصد خانوارها در دوره استقرار در بیلاق ۵۲ درصد در دوره استقرار در قشلاق زیرسپناه - چادر - بصر میبرند.

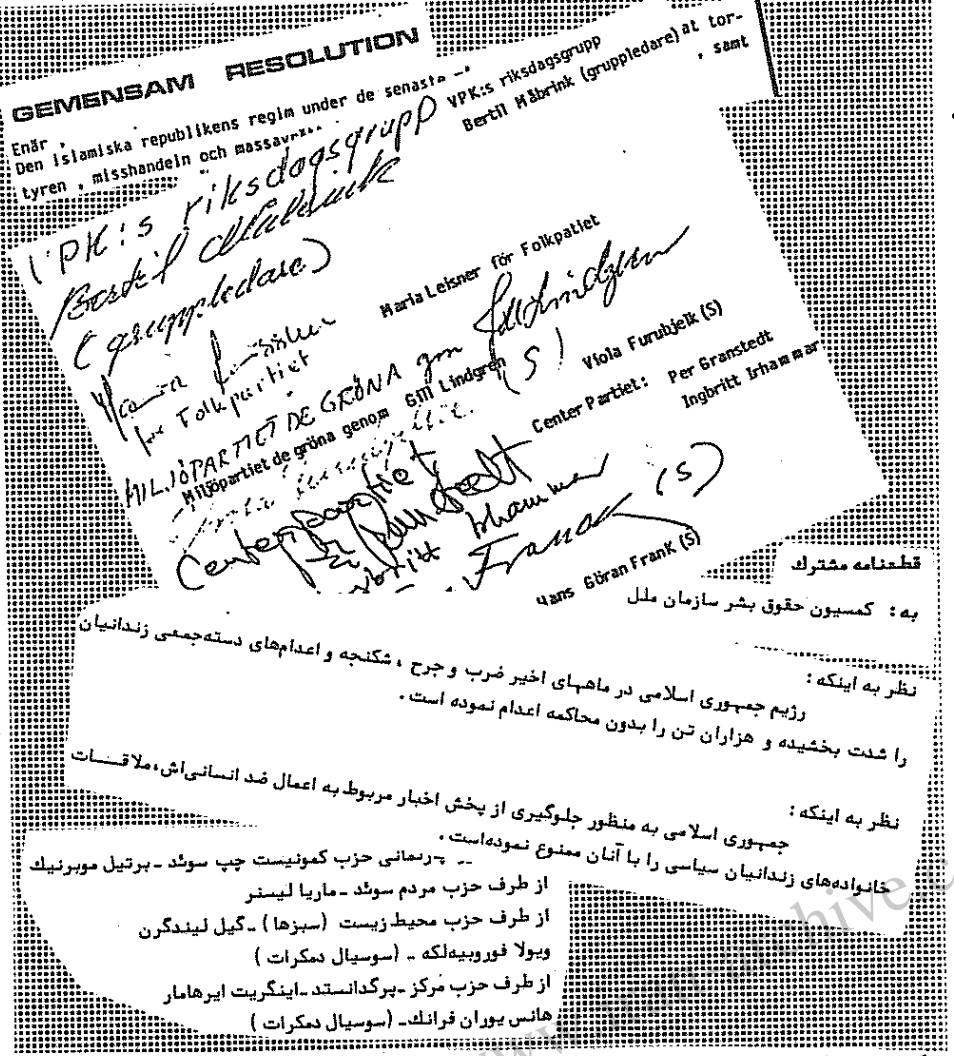
چهار میلیون آوار جنگی تنها یک گوشه کوچک از بی آمد های جنگ ارتجاعی ایران و عراق است. در ایران آوارگان جنگی تحت نظر اداره ای بنام "بنیاد امور مهاجرین" زندگی میکنند. کوس رسوائی این اداره شهره آفاق است. اخیرا نماینده آبادان در مجلس رژیم با اشاره به دزدیهای کلانی که در این

رفقای ما در پارتی رلمان سوئد

افشاء کردند!

بدنبال علنی شدن اعدای اخباری از انتشار اخبار مربوط به آن از طرف رسانه های گروهی رفقای ما در استکهلم ضمن تهیه متن یک قطعنامه مشترک برای تأیید و امضاء توسط فراکسیونهای احزاب مختلف، افشای موشری را بر علیه جمهوری اسلامی در پارتی رلمان سوئد زمان دادند. این قطعنامه مشترک که به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ارسال گردیده امضای شخصیهای سرشناس سیاسی، فراکسیونهای احزاب کونا کون و نمایندگان آنها در کمیسیون خارجه مجلس - بجز حزب افراطی راست (مودراتها M) -، رسیده غیر از قطعنامه مشترک رفقای ما به همراه بستگان برخی از شهدای اعدای اخباری بطور مستند نمایندگان و روسای گروههای پارلمانی را که عبارت بودند از حزب کمونیست چپ، حزب سبزها، سوسیال دمکراتها و حزب مردم، در جریان مشروح وقایع هولناک اخیر ایران قرار داده، آنان را قانع کردند تا اعزام یک هیئت پارلمانی به ایران برای بازدید از زندانها موافقت کرده، مسئله را پیگیری نمایند. نمایندگان نیز با پاسخ مثبت به این درخواست قول دادند که علاوه بر آن موارد دیگر درخواستهای مطروحه از جمله محکوم کردن دولت ایران و فشار اقتصادی بر جمهوری اسلامی از راه محدود کردن روابط موجود، راهم در جلسه عمومی پارلمان مطرح نمایند. یکی از نمایندگان زن از حزب سوسیال دمکرات نیز قبول داد که با همه نمایندگان زن که نسبت کشوری را در پارلمان سوئد تشکیل میدهند، در خصوص محکوم کردن اعدای زن در ایران مذاکره نمایند.

"هانس یوران فرانک" نماینده سوسیال دمکرات در کمیسیون خارجه مجلس که از زندانیان سیاسی در این موارد برخوردار است، گفت: "گمان نمی کند که رژیم ایران بخواست پارلمان مبتنی بر اعزاز هیئت پارلمانی جواب منفی بدهد." نماینده سبزها متذکر شد، بزودی با "پیزوری"، معاون وزارت خارجه سوئد که قبلاً لاریجانی مذاکره ای داشته، تماس



قطعه مشترک
به: کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل

نظر به اینکه:
رژیم جمهوری اسلامی در ماههای اخیر ضرب و جرح، شکنجه و اعدامهای دسته جمعی زندانیان را شدت بخشیده و هزاران تن را بدون محاکمه اعدام نموده است.

نظر به اینکه:
جمهوری اسلامی به منظور جلوگیری از پخش اخبار مربوط به اعمال ضد انسانی اش، ملاقاتهای خانوادههای زندانیان سیاسی را با آنان ممنوع نموده است.

از طرف حزب مردم سوئد - ماریا لیسنر
از طرف حزب محیط زیست (سبزها) - گیل لیندگرن
و یولا فورویه لکه - (سوسیال دمکرات)
از طرف حزب مرکز - برگداندستند - اینگریت ایرهامار
هانس یوران فرانک - (سوسیال دمکرات)

میگیرد و درخواست مجازات اقتصادیان ایران را عنوان خواهد کرد. وی اضافه کرد، فراکسیون آنها طرحی راجع به مسائل زندانیان سیاسی ایران به مجلس ارائه خواهد نمود. لازم به یادآوری است که "پیزوری" قبلاً در جریان مذاکرات با لاریجانی موافقت خود را با فرستادن یک هیئت اقتصادی در ماه آوریل برای همکاری با جمهوری اسلامی در روند "بازسازی" اعلام کرده بود. حزب کمونیست چپ اظهار داشت: از جانب آنها طرحی راجع به اوضاع ایران در روز ۱۶/۱/۸۹ به مجلس ارائه شده و در آن از دولت سوئد خواسته شد روابط اقتصادی خود را با ایران به حداقل ممکن برساند. نماینده حزب مرکز نیز گفت: آنها مشا به طریقی را که در زمان پالمه (یعنی در موقوع اعدای سال ۱۳۶۵) به مجلس برده بودند، مجدداً در پارلمان مطرح خواهند نمود.

ویژگی مهم مذاکرات فوق با نمایندگان پارلمان شرح مستقیم بخشی از وقایع اخیر از زبان خویشان و بستگان شهدا بوده که آنان را ملزم به عکس العمل ضروری در این رابطه کرده و جمعاً موجب توجه به درخواستها از جانب آنان و تضمین موفقیت این دورا ز تلاشهای مزبور بوده است.

شب همبستگی با زندانیان سیاسی ایران

ما لیسو - سوئد:

فقهی قرار گرفته اند، آغاز گردید و پس از آن پیام کمیته برگزا رکنندگان قرائت گردید. بیانییه مشترکی نیز از جانب رفقای ما و هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و کانون کردهای منطقه جنوب سوئد منتشر گردید. پس از هنرنامه های گروههای متعددی از ایران، نیشلیپا، هوان با نوا، یلدنشین و انقلابی خود جمعیت حاضر را به شور و مبارزه دعوت کرد. در کنگره مراسم نمایش عکس و میزکتاب نیز برپا شده بود و گروههای سیاسی اعلامیه ها و تراکت های خود را پخش نمودند.

مراسم دعوت بعمل آوردند. شب همبستگی با شرکت حدود ۴۰۰ نفر از ایرانیان مقیم منطقه و برخی از خارجیان که میشد گفت استقبال استثنائی از چنین مراسمی بود، گرد هم آمدند و ساعت تمام با سرودهای انقلابی و رقصهای شادمانی نفرت و انزجار خود را از رژیم فاشیستی و فاشیسم اسلامی بنمایش گذاشته و عزم را بخود را در مقابل با نیروی گشتا روتبا هی با ستایش زندگی انسانی عیان ساختند.

مراسم با یک دقیقه سکوت با یاد هزاران هزار حامی شادی و سعادت و سوسیالیسم که زندگی و جان خود را در راه آن فدا کرده و مورد شکنجه و کشتار جمهوری

رفقای سازمان در منطقه اسکونه (مالسو - لوند) سوئد در پی افشای وسیع جنایات رژیم خونخوار اسلامی و حمایت از زندانیان سیاسی ایران که مورد قتل عام و کشتارهای دسته جمعی ارتجاع مذهبی حاکم بر ایران قرار گرفته بودند، در تاریخ ۲۹ ژانویه تصمیم به برگزاری شب همبستگی و جمع آوری هر چه وسیعتر نیرو در حمایت از زندانیان سیاسی گرفته و از رفقای ما و هواداران زمان چریکهای فدائی خلق ایران در منطقه و از کانون کردهای منطقه جنوب سوئد برای همکاری دعوت نمودند. برای برگزاری هر چه پر شورتر این شب از جوان خواننده و هنرمند معروف و انقلابی خلق کرد نیز برای این



ایرانی را به پلیس ترکیه داد تا هر چه زود تر مجبات اجرای قرارداد های مذکور را فرا هم کند. روز پنجشنبه ۱۹۸۹/۲/۲۲ پلیس ترکیه گروهی از پناهندگان و فراریان سیاسی ایرانی را از شهرهای اطراف آنکارا جمع آوری و به شهر "وان" در نزدیکی مرز ایران منتقل کرده تا از آنجا به ایران تحویل داده شوند. پلیس ترکیه روز جمعه را برای اینکار (تحویل به ایران) اشتغال نموده بود تا بتوانند از دور روز تعطیلی پس از آن حداکثر استفاد را نموده و با بسته بودن روزنامه ها، سفارتخانه ها و دفاتر سازمان ملل هیچگونه مزاحمتی از این عمل جنایتکارانه اش بعمل نیاید. اما جمعی از پناهندگان ایرانی که از ماجرا باخبر شده بودند فوراً با کشورهای سوئد و هلند، سفارتخانه ها و شخصیت های حقوقی ترکیه تماس گرفته آنها را در جریان جزئیات امر قرار دادند. در پی آن با همکاری و پیگیری دیگر پناهندگان ایرانی چه در ترکیه و چه در کشورهای دیگر (از جمله در سوئد) مراجع به مراکز عقوبت الملل، دفتر سازمان ملل و صلیب سرخ جهانی، مراکز ذی نفوذ را در ترکیه فعال نمودند که با لایحه در نتیجه فعالیت پیگیری دیپلمات زن در سفارت هلند به همراه یک خبرنگار هلندی و نیز همچنین از طریق چند وکیل ترک مانع از استرداد جنایتکارانه این گروه از پناهندگان ایرانی شدند. سپس در پی فشار موثر مراجع بین المللی دولت ترکیه مجبور به بازگرداندن پناهندگان مذکور به شهرهای قبلی خود در اطراف آنکارا گردید. در این میان حتی دوروز پس از بازگرداندن پناهندگان ایرانی، پلیس ترکیه وقیحا نه‌جا مرده با بازگرداندن یکی از پناهندگان با زادتستی که وضعیت حساس تری نسبت به بقیه داشته و نشد و تنها پس از اقدامات بیشتر پناهندگان ایرانی، مجبور به بازگرداندن وی گردید.

وین - اتریش :

سفر خا منهای و تدارک اعتراض

در اعتراض به کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی و سفر خا منهای وولایتی رئیس جمهور و وزیر امور خارجه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی درآینده نزدیک به اتریش، بدعوت ۱۶ تشکل دمکراتیک و هواداران سازمانهای مترقی و مبارز ایرانی، اتریشی، کرد و ترک از روز چهارشنبه ۱۵ فوریه آکسیونهای زنجیره ای بمدت یک هفته در وین برگزار خواهد شد. این آکسیونها تا مل برگزاری شما بشکافد و عکس، اعتصاب غذا، تظاهرات و راهپیمایی خواهد بود.



سوئد - استکهلم

استرداد دیپسابقه و هولناک پناهندگان ایرانی

در پی قول و قرارهای اخیز دولت سوئد برای شرکت در روند "بازسازی" دعاوی جمهوری اسلامی رسماً و علناً سیاستهای جدیدی علیه پناهندگان ایرانی اتخاذ کرده و روز بروز با دگسترده تری می یابد. بدین مناسبت موج جدیدی استرداد پناهندگان ایرانی آنچنان وحشتناک است که همواره با شدت نگران کرده است.

اغلب روزنامه های منطقه ای در سطح استانها از اخراج ایرانیان مستقر در کمیتهای پناهندگی خبر میدهند: "روزنامه Värmlands Folkbladet در تاریخ ۱۹۸۹/۲/۲۲، که در صفحه اول در حالیکه به نقل از یک "جوان فراری" می نویسد: "من ممکن است اعدام شوم"، خبر از صدور حکم اخراج وی از سوی اداره مهاجرت سوئد میدهد. همین روزنامه در تاریخ ۱۹۸۹/۱/۳۱ خبر استرداد یک "جوان ایرانی" دیگر در واسط ماه فوریه سال گذشته را نیز درج کرده بود. کمیته نزیست فرودگاه بین المللی استکهلم بنام "کارولوند" نیز به طور مرتب و هفتگی تا حدود استرداد دیپسابقه ایرانیان است که چند روز پیش از آن با هوا پیمایان رد سوئد شده اند و از همانجا به شوه ها می غیرقانونی مجدداً دیپورت میشوند. استرداد یک پدر به همراه دو فرزند ۱۶ ساله اش، جزو آخرین نمونه از این سری است. اخراج در یکی از کمیتهای پناهندگی بنام "هرفوش"، ایرانیان با شنیدن خبر دریافت حکم اخراج ۲ تن دیگر، در کلیسای شهر، روزهای متوالی دست به تجمن و اعتصاب غذا میزنند.

در پاسخ به چنین وضعیتی است که کمیته دفاع از پناهندگان ایرانی - استکهلم "با حمایت پناهندگان و نیروهای مترقی و انقلابی با انتشار فراخوانی ضمن تشریح اوضاع، با هدف مقابله با سیاستهای ضد پناهندگی دولت سوئد، برای چهارم مارس دعوت به تظاهرات کرده است.

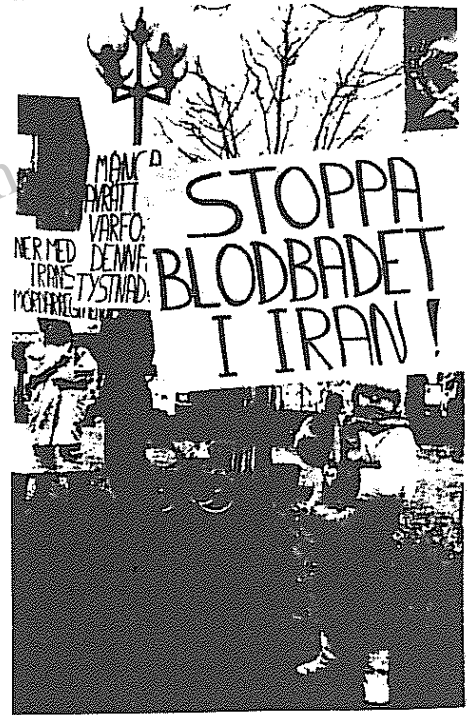
شکست تلاش جدید دولت ترکیه

در استرداد دیک گروه از پناهندگان

پس از مذاکرات وزیر کشور ایران و هیئت همراه آن با هماتای ترکیه ای، قراردادهای امنیتی بین دو کشور که در سالهای ۱۹۵۰ برای کنترل و به دام انداختن مهاجرین دو کشور به امضا رسیده بود، مجدداً احیا گردید. در کنفرانس قضیه یکسری توافقات جدیدی نیز در این زمینه بعمل آمد و از جمله وزیر کشور رژیم جمهوری اسلامی لیستی از فعالین سیاسی

کارلسکوگا - سوئد :
تظاهرات ایستاده علیه قتل عام زندانیان سیاسی در ایران

با گسترش حرکات و اعتراضات پیاپی ویرانه برای نجات جان زندانیان سیاسی از زیر تیغ رژیم جنایتکار اسلامی، پناهندگان ایرانی مقیم شهر کارلسکوگا سوئد که پس از گردهمایی های بیایی و فعالانه خود، دست به تشکیل "کمیته دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران" زده بودند، متوالیاً در روزهای ۱۲ و ۱۳ ژانویه تظاهرات ایستاده ای را در میدان مرکزی شهر سازمان دادند. در جریان این تظاهرات کمیته مزبور با انتشار اعلامیه های سبزه بزم های سوئدی و فارسی ضمن درج خبر کشتار هزاران زندانی سیاسی بدست رژیم جمهوری اسلامی خواهان اقدامات قاطع علیه این جنایات از جانب



دولت و پارلمان سوئد شد. در عین حال کمیته موفق به جلب همبستگی فعال احزاب کمونیست و سوسیال دمکرات منطقه و انکس گسترده جریسان این تظاهرات توسط را دیو روزنامه های مختلف در سطح ایالت "وولند" گردید.

تنها شعار فارسی کمیته که بر روی پلاکارد نوشته شده، عبارت بود از "آزادی زندانیان سیاسی در کشور سوئد". رژیم جمهوری اسلامی است که در حقیقت بنیانگذاران را حق طلبانه، منطقی و ستایش برانگیز ایرانیان مهاجر است که به انحاء مختلف از استمهای اجتماعی و سیاسی در ایران متاثر میشوند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

سنون آزاد گمونیست‌ها و جنبش ۲۱ آذر آذربایجان

جنگ اول جهانی و اشغال اراضی کشور از طرف انگلیس، روسیه و عثمانی، تقسیم کشور، مناطقی نفوذ قدرتهای خارجی، خرابی‌ها و تورم ناشی از آن باعث حرکات تازه‌ای در شمال کشور گردیدند. ایده‌های مطرح شده در انقلاب مشروطیت که با پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه را دیکتاتور شده بودند دوباره بشدت مطرح شدند. در آذربایجان که از طرف قشون عثمانی در ۱۹۱۵ اشغال شده بود وضعیت بسیار بدتر بود. در این زمان حزب دمکرات ایران فعالیت خود را گسترش داده و سازمان ایالتی آن در آذربایجان به علت اشغال ارضیات با مرکز حزب دمکرات آذربایجان را تشکیل داده قیام ۱۶ فروردین ۱۲۹۹ شمسی را سازمان داد. شیخ محمدخیا بانی در توجیه قیام میگوید: "اگر وضعیت مقدم بر قیام را از نظر ملاحظه بگذرانیم، حالت اسفنا تکلیف مملکت و اختلاس بی حد و حصر مالیه و اقدامات بی‌ناموسانه و جانیانه نظمی را در نظر بگیریم لزوم فوری قیام را احساس مینمائیم..." (۳) حکومت ملی تحت رهبری شیخ محمدخیا بانی با برنامهای برانداختن سلطنت و برقراری جمهوری دمکراتیک، نجات کشور از قبضه اسارت خارجی، خودمختاری در آذربایجان و برقراری روابط سیاسی و بازرگانی با کشورهای تشکیل شده، علیرغم راهی اقدامات، حکومت ملی توسط ارتجاع حاکم در تهران در ۲۲ شهریور همان سال سرکوب شد و رهبر قیام بعد از مقاومت جانانه کشته شد. دوران حکومت دیکتاتوری رضاخانی برای آذربایجان و کردستان بسیار تیره و تار و زنجیرهای غیر ایران بود. در این دوران ستم ملی بر خلقهای غیر فارس بشدت اعمال میشد. اگر تا دیروز کم و بیسیش بزیان آذربایجانی در مدارس تدریس میشد، در این دوره نوشتن و تدریس به زبانهای غیر فارسی جرم محسوب میشد. از بدو دهه کل کشور سهم آذربایجان خیلی ناچیز بود. علیرغم اینکه آذربایجان در اقتصاد کشور استان مهمی محسوب میشد ولی در برنامهای عمرانی و بهداشتی و فرهنگی کشور، آذربایجان جانی جانی نداشت. آذربایجان و زاندا رها در روستاها و سرما به داران و عوامل حکومتی در شهرها فعال مایه و ما حبان حقیقی مال و جان و ناموس مردم محسوب میشدند. سیطره، فساد، لیسدم شهر و ده عملاً را بر هر گوشه پیشرفتی میدود کرده بود. دهقانان از ظلم و جور آذربایجان و زاندا رها دست به کوهها فرار میکردند و همنانند حیوانات در آنجا زندگی میکردند. زمانها را سال بود که در آذربایجان درجا میزد. آخرین لقمه سفره دهقانان را زاندار می ربود و در صورت مقاومت کشته میشد. فقط در یکی از شماره‌های روزنامه آذربایجان ارگان فرقه دمکرات آذربایجان (شماره ۵۶ سال ۱۳۲۵) از دهها فقره قتل و غارت زاندارها و آذربایجان در

آذربایجان بیش از دیگر نقاط کشور در جوش و خروش بوده است. آذربایجان بدلیل رشد اقتصادی و فرهنگی نسبتاً با لایش در مقایسه با دیگر مناطق کشور و با نزدیکی با روسیه و تفقلاً و شوکت کارگران آذربایجانی شغل در مناطق نفتی با کورد حرکات سوسیالیستیک را تیک روسیه، در انقلاب مشروطیت نقش رهبری داشت و این نقش را تا سقوط حکومت محمدعلی شاه و تصرف شهران توسط مشروطه طلبان حفظ کرد. این رهبری توسط انجمن ایالتی آذربایجان و سپس هما نظریه آذربایجان آنها را می‌نامیدند "مجلس ملی آذربایجان" اعمال میشد. اساساً یکی از دستاوردهای گرانقدر انقلاب مشروطیت قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی بود. که با کوشش و امراض آذربایجانیها بصوب رسید. موا ۲۹ و ۹۰ تا ۹۳ متمم قانون اساسی وظایف انجمنهای ایالتی و ولایتی را مشخص میکرد. ماده ۲۹ متمم قانون اساسی میگوید: "مناقص مخصوصه برای ولایت و بلوک به تصویب انجمنهای ایالتی و ولایتی به موجب قوانین مخصوصه آن مرتب و تصویب میشود. البته قبلاً از تصویب این قوانین تعدادی از این انجمنها از درون آتش و خون انقلاب مشروطیت بیرون آمده و فعالیت میکردند از جمله انجمن ایالتی آذربایجان (مجلس ملی آذربایجان) بود که در تاریخ ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ قمری تاسیس و شروع به فعالیت کرد. این انجمن که در ابتدا برای نظارت بر حکومت انتخابات دوره اول مجلس شورای ملی بوجود آمد بعد از انتخابات علیرغم میل محمدعلی شاه و بسیار رهنمود سازمان سوسیالیست دمکرات تبریز به فعالیت خود ادامه داد. نقش انجمن ایالتی آذربایجان در انقلاب مشروطیت بسیار ارزنده و بی‌بدیل بود. انجمن ایالتی در مدت ۱۱ ماه محاربه شهریگان محل شور و تمرکز قوای فکری و طرح نقشه‌های انقلابی کوتاه سخن دستورده به کلیه آذربایجان بود. . . . مخبرین جرابدو دنیا رویه تبریز آورده، اخبار ایران را از انجمنهای ملی گرفته و به تمام قطار جهان مخابره میکردند." (۲)

سوسیالیست‌ها در آذربایجان که در زمان اجتماع عیون - عامیون تبریز "مرکز غیبی" متشکل بودند از طریق ایچادفراکسیون در داخل انجمن خط انقلابی را در آن پیش میبردند. شیخ محمدخیا بانی علیرغم جوانی یکی از نمایندگان سوسیالیست‌ها در داخل انجمن بود. انقلاب مشروطیت علیرغم فداکاریها و قهرمانیهای مردم زحمتکش نتوانست حتی هدفهای بورژوازمکراتیک در دستور کارش را حل کند. لذا فساد لیسدمست نخورده باقی ماند و دستگا حکومتی نیز با گمسی بزرگ ظاهری دست نخورده باقی ماند. در آذربایجان نیز علیرغم نقش برجسته اش در انقلاب کوچکتر - تفهیری در وضعیت شده‌های مردم بوجود نیاورد.

"من تنها با زبان ساده میتوانم بگویم که خلق آذربایجان مبارزه خودش را از زمانهای قدیم شروع کرده است. این مبارزه بنا به شرایط و مقتضیات زمان و عصر در اشکال مختلفی ظاهر شده و با شعارهای مختلفی تعقیب شده است." (۱)

"سید جعفر بیشره‌وری"

در باره جنبش خلق آذربایجان در سالهای ۲۵ - ۱۳۲۰ شمسی از طرف جریان سیاسی چپ و راست کما بیش نوشته شده است. جریانات سیاسی راست آنرا حرکتی نشان داده اند که با اشاره انگشت استالین بوجود آمده و با اشاره و نیز از هم پاشید، نیروهای مثل حزب توده و اکثریت بدون هیچگونه تحلیلی آنرا در چند سطر ستوده و خود را از شرخا طره نامطلبی خلاص کرده اند. عده‌ای در مورد این حرکت بزرگ تاریخی سکوت کرده اند و بعضی نیز آنرا حرکتی ملیم زخارج قلمداد نموده و حتی بعضاً در مخالفت با آن تا آنجا پیش رفته اند که نامیدن این حرکت را بنام نهضت غلط دانسته اند. عده‌ای از باقیمانده‌های این جریان در اتحاد شوروی که اساساً عوامل باقراف در داخل فرقه دمکرات آذربایجان محسوب میشده اند از این نیز دستگامی در آنجا دارند و هنوز هم ز قیل آن نان میخورند و نشریات نیز بیرون میدهند که چییز تازه‌ای در آن نمی‌توان یافت. همین‌ها نیز هستند که امروزه در آن حزب توده را میچرخانند. و اما وظیفه جنبش گمونیستی مستقل از حزب توده و اکثریت است که این حرکت بزرگ مردمی را ملاحظه و بررسی نموده و از آن درسهای لازم را بگیرد. زیرا بسودن درس گیری از گذشته حرکت صحیحی در آینده نمیتواند صورت گیرد. بدون جواب دادن به سوالات برحسب خلق آذربایجان در باره ۲۱ آذر نمی‌توان انتظار داشت که زحمتکشان آذربایجان نسبت به سازمانهای چپ رفتاری محتاطانه نداشته باشند. در ایق بررسی بایدن نقش اتحاد شوروی، فرقه دمکرات آذربایجان و حزب توده مشخص شود. این بررسی از جمله باید به این سوال اساسی جنبش گمونیستی ایران جواب بدهد که: وظایف ملی و نشرنا سونا - لیستی و رابطه این دو چیست و کدام بر دیگری مقدم است؟ زیرا هنوز هم که هنوز است جنبش گمونیستی در ایران از این مسئله ضربه میبیند و فاجعه‌ای که حزب توده و سازمان اکثریت بعد از انقلاب مسببش بودند دقیقاً ریشه در این مسئله داشت.

جنبش خلق آذربایجان در سالهای ۲۵ - ۱۳۲۰ در حقیقت ادامه انقلاب مشروطیت و حکومت ملی شیخ محمدخیا بانی بود. مائیلی که در انقلاب مشروطیت و حرکت خیا بانی در آذربایجان و نقاط دیگر ایران حل نشده باقی مانده بودند به افاسه مسائل تازه‌ای در دستور روز حرکات ۲۵ - ۱۳۲۰ قرار گرفت. با سیری در تاریخ صدسال اخیر می بینیم که در انقلاب بورژوازمکراتیک مشروطیت،

دهات مشخص آذربایجان نوشته شده است. در شهر نیز وضع بهتر از ده نبود، کارگران از ابتدای تریبون حقوق انسانی بی بهره بودند. کسانی مثل حاجی ابوالقاسم جوان (۴) میتوانستند کارگران را بدون ترس از مجازات بکشند، ایده‌ها شی که در جریان انقلاب مشروطیت بوجود آمده و با قیام خیابانسی پخته تر شده بودند با سقوط حکومت شوروی و روستاها در آذربایجان به شدت و این با رزادیکال تر از همیشه مطرح شدند.

ورود متفقین به ایران شرایط نسبتاً دمکراتیکی را بوجود آورد و در کبایع بوجود آمدن ورشده‌ها و سازمانهای مترقی شد در آذربایجان دهقانان فقیر در روستاها و در شهرها کارگران شروع به تشکیل اتحادیه‌های صنفی نمودند، در چنین شرایطی بود که فرقه دمکرات آذربایجان بوجود آمد. مراجعت نامهای که از طرف رهبران فرقه منتشر شد بسیار آرزوهای زحمتکشان لگدمال شده آذربایجان و ایده‌ها شی بود که مردم آذربایجان از انقلاب مشروطیت برای شان جنگیده بودند: - تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی - تدریس بزرگان مادری - رشد و گسترش صنایع و تجارت - آبادی شهرها و روستاها - فرم رضی - مبارزه با بیکاری - تغییر قانون انتخابات کشور به نفع خلق - کثیرالعدد آذربایجان - فرم داری و مالیاتی. اینها بودند اهدافی که در مراجعت نامه فرقه دمکرات آذربایجان اعلام شده بودند، ایده‌ها شی که تا دیروز مردم آذربایجان تحت فشار و ترس و رفا شاه جرات را بر آن نداشتند و امروز با مساعدر شدن شرایط برای عملی کردن آن دست به تفنگ می‌بندند. حکومت ملی آذربایجان از درون توده‌های غارت شده و با برهنه آذربایجان جوشیده و شکل گرفته این با رکارگران و دهقانان فقیر آذربایجان موتور محرکه انقلاب بودند، بورژوازی که در انقلاب مشروطیت و قیام خیابانسی نقش مؤمن را داشت اینبار به نسبت طبقه کارگر و دهقانان بی زمین و کم زمین نقش کمتری دارد، رویدادهای قبل از تشکیل حکومت ملی این امر را به خوبی نشان میدهد، در این روزها دهقانان بجز آنکه دست و پا ندارند و دفاع از خود تشکیل میدهند، با ربا بان را از ده می‌رانند و دست به تقسیم زمین می‌زنند، ژاندارها دیگر جرات نزدیکی به چنین روستاها شی نداشتند در شهرها بکارگران با میتینگها و نمایشات خودخواهان اطلاعات میدهند، در چنین شرایطی تحت فشار نیروهای مسلح فرقه که از دهقانان و کارگران و پیشه‌وران تشکیل میشود همکاران ارتش سرخ پادگانهای دولتی یکی بعد از دیگری سقوط کرده و سر تا سر آذربایجان از زیر نفوذ ارتجاع خارج شد. حکومت ملی آذربایجان در طی یکسال حکومت خود به بسیاری از اهداف اعلام شده در لاجامه عمل پوشانید، بسا تشکیل حکومت ملی (انجمن ایالتی) فرم رضی در پاره‌ای از روستاها شروع شد، صنایع و تجارت در عرض یکسال شروع به گسترش و رشد نمودند، بیکاری تقریباً از بین رفت، برای اولین بار در ایران حق رای برای زنان اعلام شد، تدریس زبان مادری در مدارس شروع شده و دانشگاه تبریز تاسیس شد، برای

بهبود بهداشت و فرهنگ در روستاها عهدجججج آذربایجان قدمهای خیلی جدی برداشته شد. خلاصه اقداماتی انجام پذیرفت که رفاخان در طی دوران حکومت خود یک هزارم آنها را برای آذربایجان انجام نداده بود، حکومت یکساله فرقه دمکرات در آذربایجان خالی از زلغزش و اشتباه نبود، مشکلات فرم رضی را میشد سرعت بیشتری داد، با در رابطه با کارگران میشد بعضی اقدامات را انجام داد، ولسی هرگاه طول عمر بسیار کوتاه و حکومت ملی و عقبماندگی اقتصادی و اجتماعی آذربایجان آشورزا در نظر بگیریم توقع ما نسبت به اقدامات انجام نشده کمتر میکرد، بهر حال هیچیک از این نقصانها با عث شکست حکومت ملی نبودند چیزی که عده ای آنرا عنوان میکنند، شکست حکومت ملی اساساً ناشی از سیاست خارجی غلط اتحاد شوروی و عقبماندگی جنبش در دیگر نقاط ایران بود، درست است که هم زمان در کردستان ایران جمهوری خود مختار کردستان تاسیس یافته بود ولی در بقیه نقاط ایران بخصوص در جنوب و مرکز ارتجاع بسیار قوی بود.

نقش اتحاد شوروی در شکست حکومت ملی آذربایجان بر میگردیم به روزهای اولیه تشکیل فرقه نیروی اصلی فرقه دمکرات آذربایجان را سازمان ایالتی حزب توده تشکیل میداد، وقتی که تاسیس فرقه دمکرات آذربایجان اعلام شد، سازمان حزب توده در آذربایجان خود را منحل کرده و به فرقه پیوست، اینکار را در داخل حزب توده منشاء بحثهای زیادی شد، حتی عده ای گویا علیه اینکار را اعلامیه‌ای تهیه کردند. بهر حال پیوستن سازمان حزب توده از زبانه‌ها در آن زمان نظارت نبود زیرا که این تشکیلات از آذربایجان بود و در جریان به این عظمت نمی‌توانست بیطرف بماند، البته اینکه در پیوستن سریع سازمان ایالتی بدون اجازت کمیته مرکزی حزب توده عناصراً قرائی تعیین کننده بوده اند نمی‌توان شکی داشت ولی بهر حال حزب توده طبریز ادعاهای این یا آن رهبر یا بخش را در آن چنان شخصیت مستقلی نبود که مثلاً پیوستن سازمان آذربایجان جلوگیری تواند، خلاصه تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان همانند حزب توده در رابطه نزدیک با اتحاد شوروی و با قول کمکهای لازم پذیرفته بود، در داخل فرقه دمکرات آذربایجان علیرغم اینکه عناصراً قرائی از نظر تعداد کم بودند ولی چون از طرف اتحاد شوروی پشتیبانی میشدند در شرایط حماسی میتوانستند نقش تعیین کننده ای داشته باشند، در فرقه دمکرات سه جناح عمل میکردند: جناح اول عناصری بودند که وابسته به سیاستهای استالینستی آن روز اتحاد شوروی بودند، اتحاد شوروی و در راستای استالین میخواست که از مسئله آذربایجان بعنوان عامل فشار علیه دولت ایران استفاده کند، البته این بدان معنی نیست که از ضمیمه کردن آذربایجان به اتحاد شوروی بدش می‌آمد، ولی همه اینها بسته به عوامل مختلفی بود، جناح دوم طرفداران با قرائ دیمبر اول حزب کمونیست آذربایجان شوروی بودند، با قرائ طرفداران را نش در حزب کمونیست آذربایجان شوروی معتقد بودند که با ضمیمه آذربایجان ایران به آذربایجان

شوروی جمهوری تازه میتوانند در چارچوب استحاد شوروی نقش مهمتری بازی کنند، جناح سوم انقلابیون صدیقی بودند که همراه مردم زحمتکش آذربایجان برای آینده‌ای بهتر مبارزه میکردند، ناگفته نماند که طرفداران جناح اول و دوم همکاران داشتند، همین جا باید گفت برخلاف نظر کسانی مثل اسکندری از رهبران سابق حزب توده که میگوید: "در هر صورت این مسئله با قرائ، باید بگویم هنوز برای من یک ابهامی است چون من اطلاع داشتم که سفارت شوروی یعنی مقامات شوروی در ایران اطلاعاتی از این موضوع نداشتند و واقعا آنها خیال میکردند بدون اطلاع آنها عملی شده یعنی از طریق وزارت خارجه هم به ایشان اطلاع نداده اند، این برای من این توهم را ایجاد میکند که آیا واقعا، این سیاست صدر مدوردنا شید خود استالین قرائ گرفته بود یا نه؟" (۵) جناح اول و دوم از بر نامه‌های همدیگر بخوبی مطلع بوده اند، بطوریکه وقتی که دولت شوروی امتیازاتی را که از دولت قوامی خواست، بدست آورد از رهبران حکومت ملی درخواست ترک مقاومت و رفتن به اتحاد شوروی را کرد، علسی توده یکی از شرکت کنندگان جنبش آذربایجان که اینک در آذربایجان شوروی زندگی میکنند با استفاده از جوتا زه موجود در شوروی در شرف انجامه صنعت کارگان اتحادیه نویسندگان آذربایجان به تاریخ ۱۷ جولای ۱۹۸۸ می نویسد: "متأسفانه حکومت ملی آذربایجان با بدنامی و نه در حقیقت اجازت، ادا نموده حیات به آن ندادند، وگرنه حکومت ملی برای ادا نموده حیات عرضه و لیاقت لازم را بود، گفته میشود در روزها شی که سرنوشت حکومت ملی آذربایجان حل و فصل میشد پیشه‌وری زود به زود به این طرف (آذربایجان شوروی) می آمد و با کسان معینی دیدار و توبتال افکار میکرد، زیرا که هر روزی احتمال هجوم زهرا به آذربایجان جنوبی می رفت، بهشت سرتهران و واشنگتن، لندن، پاریس، ما در پیورما ایستاده بودند، از جمله کسانی که پیشه‌وری با آنها ملاقات میکرد با قرائ بود، در روزهای آخر با قرائ از پیشه‌وری خواسته بود که در مقابل قشون شاه مقاومت نکنند و سلاح را بر زمین بگذارند، پیشه‌وری راضی نمی‌شد، با قرائ عصبانی شده میگوید: آخر تکیه شما به چه کسی است؟ پیشه‌وری با غرور می‌گوید: پشتیبان ما خلقهای ایران است... " بدین ترتیب سرنوشت حکومت ملی آذربایجان رقم زده شد، اکثریت زحمتکشان و فعالین فرقه دمکرات و حکومت ملی خواهان مقاومت در برابر ارتش شاه بودند، نیروهای انقلاب را رای روحیه بسیار بالایی بودند و در داخل دولت ملی نیز اختلاف شدیدی وجود داشت، عوامل با قرائی که ما مورث خود را با این یافته میدیدند طبق دستور، خواهان مقاومت و رفتن به آذربایجان شوروی بودند، بهر حال عقب نشینی فاجعه با معروف صورت گرفت، مردم آذربایجان بدون اسلحه و کمک، علیه غم‌قولها و قرارها و حرفهای زده شده تنها و بدون بارگذاشته شدند، هزاران نفر از فعالین و هواداران حکومت ملی در سرتاسر آذربایجان قتل عام شدند، نیروهای دمکراتیک چنان در صفحه ۱۲

از صفحه ۱۱ گمونیست‌ها و جنبش ۲۱ آذر آذربایجان

میرفتند جنبش را حداقل از نظر حیثیتی در آذربایجان خلق سلاح نمی‌کرد، شکستی که فرقه، دمکرات آذربایجان را با آن پایه، توده‌ای عظیم برای همیشه از صحنه آذربایجان بیرون پاک کرده و بیروزی مردم آذربایجان را در راه خودمختاری و سعادت عمومی سالیان درازی عقب انداخت. قیام مردم آذربایجان علیرغم همه، اینها قیام مردم زحمتکشی بود که بر علیه فئودالیسم، بورژوازی و شوینسم فارس انجام پذیرفت.

اینکه چه سو، استفاده‌ها فی‌الذات از طرف این ویسا آن دولت و حکومت از این قیام انجام گرفت از اهمیت عظمت و حقا نیت آن کم نمی‌کند. از تجربه، خلق آذربایجان گمونیستهای ایران و بخصوص خلقهای دیگر فارس ایران با بیدیا موزند، آنرا گرامی داشته و از حقا نیت آن دفاع کنند.

"آذربایجان نسلی"

۱۹۸۸ / ۱۱ / ۲۷

- ۱) قیزیل صحیفه لرحا پ ۱۳۵۴
- ۲) ظهرا ده بهزاد - قیام آذربایجان ... ص ۴۸
- ۳) حسین مکی - تاریخ بیست ساله ایران جلد اول - ص ۲۲
- ۴) حاجی ابوالقاسم جوان سرما بیدار معروف تبریز و صاحب کارخانجات متعدد، مرتجع و شاهپرس مشهور که در حیطه خانهاش و باشا شکند داشت و صاحب زندان خصوصی بود، کارگراشی که فساد سندیکا شی محسوب میشدند از طرف عوامل اودستگیر و در خانه‌اش شکنجه میشدند، کم نیستند سندیکا لیستهای قدیمی تبریزی که اثرات شلاق او را بر پیشانی دارند، مشهور بود که یکی از کارگران قالیبافی را از او تبریک در پاریس داد، قالیبافی کشته است.
- ۵) خاطرات سیاسی ایرج اسکندری - جلد دوم ص ۱۰۲
- ۶) غرض گمانی است که از روی صداقت و برای آمال مردم آذربایجان، بهبودی وضعیت اسفناک مردم و اصلاحات اجتماعی در تشکیل فرقه شرکت داشتند که گمانی که با ما موریت خاصی از طرف حکومت شوروی وارد فرقه شدند.
- ۷) مهم این نیست که قوا چه تضمینهای داده بود ما هیت ارتجاع وحشی گری آن برای دولت شوروی نمی‌توانست روشن نباشد.
- ۸) گویا ژنرال مزبور غلام‌یحیی یکی از عوامل با قراف در داخل فرقه، دمکرات آذربایجان بوده است.

پیشه‌وری از کمک انترنا سیونالیستی و دنیا لکتیک منافع ملی و انترنا سیونالیستی غلط و یکجانبه بود. دردی که هنوز چپ ایران از آن رنج میبرد این موضوع را خود پیشه‌وری در صحبت خود در مهما نسی با قراف در آذربایجان بخوبی ترسیم کرده است. پیشه‌وری در جواب با قراف که یکی از دلائل شکست نهضت آذربایجان را رابطه، ضعیف آن با حکومت آذربایجان شوری عنوان نموده بود میگوید که بنظر او برعکس یکی از دلائل شکست رابطه، ضعیف جنبش آذربایجان با خلقهای دیگر ایران بوده است. علی توده در شیه مذکور می‌نویسد: "گفته میشود که سید جعفر پیشه‌وری چند روزی قبل از مرگش در جلسه، بوری کمیته مرکزی حزب گمونیست آذربایجان در رابطه با مسئله آذربایجان ایران با یک ژنرال (۸) مباحثه میکرد است، بقدری به هیجان آمده بود که از سر جایش بلند شد و با دلائل محکمی غلط بودن فکر ژنرال را ثابت کرد. در این زمان با قراف عصیان شده و با بی حرمتی به پیشه‌وری گفته است: مردک سر جاست بشین! سپس عینکش را از چشمش در آورده و با دستمال پاک کرده است، گویا با این حرکت به پاک کردن پیشه‌وری از روی زمین اشاره کرده است..."

در باره سید جعفر پیشه‌وری و نقش و مسئولیت او در شکست و هزیمت حکومت ملی بدون فاکت‌های لازم صحبت کردن آسان نیست. اگر روزی از طرف حکومت اتحاد شوروی و آذربایجان شوری آرشیه‌های مربوط به تشکیل و فعالیت فرقه و حکومت ملی منتشر شود راحت می‌توان این کار را انجام داد. اینک بنا به گفته بعضی‌ها پیشه‌وری از ترس جان به اتحاد شوروی فرار کرده است غلط است زیرا زندگی سراسر مبارزه او در حزب عدالت و گمونیست ایران، یازده سال زندان و تبعید در خانه‌های و پایداری او بنا به نشانه‌های فراد مختلف با جهان بینی‌های متضاد نشان میدهد که او کسی نبود که در کوران مبارزه به فکر جان خویش باشد. از طرف دیگر پیشه‌وری شخصیت مستقلی بود که با تیب‌های مثل غلام‌یحیی قابل مقایسه نیست. پیشه‌وری گمونیست با سواد و آموخته‌ای بود که در مکتب حزب گمونیست ایران پرورده و پخته شده بود. او که از رهبران حزب گمونیست ایران بود بحق شایسته تر از هر کسی برای رهبری قیام مردم آذربایجان بود زیرا برخاسته از میان این خلق و وفادار به ایده‌آلهای آن بود. اینک پیشه‌وری به اتحاد شوروی و حرفها و قول و قرارهای حکومت شوروی اعتماد کرد تا قبل قبول است. ولی اینک سید جعفر پیشه‌وری که سالیان درازی در زندان ارتجاع نشسته و کتابها و خاطرات زندانش نشان دهنده آنکه او از زوحتی ارتجاع است، به صرف قول و قرارهای اتحاد شوروی و قوام السلطنه و وظیفه، رهبری جنبش را انجام نداد و مردم آذربایجان را به امید حرفهای بدون پشتوانه و "فرمت مناسب" گذاشت تا قبل توجیه نیست. هزاران نفری که بعد از حمله ارتش در آذربایجان کشته شدند و همچنین خود پیشه‌وری اگر در یک نبرد - هر چند با نتیجه، شکست - رویا روی با رژیم شاه زمین

شکستی را متحمل شدند که مهر و نشان خود را برای همیشه در مبارزه، مردم آذربایجان باقی گذاشتند. کارها و فعالین فرقه و حکومت ملی که به آذربایجان شوری فرار کردند سر نوشت بهتری پیدا نکردند. عده‌ای زیادی از عناصر صادق به رهبری پیشه‌وری هنوز در فکر بازگشت و مبارزه بودند و این با سیاستهای دولت شوروی در تضاد بود. لذا ابتدا پیشه‌وری به دستور با قراف و همکاران عده‌ای از عواملش مثل غلام‌یحیی در یک حادثه، ساختگی تصادف اتومبیل زخمی سپس در بیمارستان کشته شد. سپس دست حکومت آذربایجان شوری که قبلا کم و بیش از پیشه‌وری ملاحظه میکرد برای تصفیه و پاک کردن نیروهای فرقه دمکرات که مزاحمان بودند با زشد. عده‌ای از آنها به سبیری و جاهای دیگر تبعید شدند و بقیه چنان تحت فشارهای مختلف گذاشته شدند که امروزه بعد از گذشت سالیان زیادی و عوض شدن محیط اتحاد شوروی، در ترس و وحشت بسر میبرند. معدودی نیز از این تعداد کلاهی نصبیشان شد و از این راه صاحب مقام و منصب و نان و آب شدند.

امروزه وقتی که گمونیستهای ایران از دور به قضا یا ۲۵ - ۱۳۲۴ نگاه میکنند میتوانستند بهتر قضاوت کنند. تشکیل فرقه، دمکرات آذربایجان در شرایط انقلابی و مساعده ۱۳۲۴ دستاوردهای انقلابی مردم آذربایجان بود. فرقه، دمکرات آذربایجان جنبه‌ای از نیروهای مختلف با ظرفیت انقلابی بود که رشد و گسترش سریع آن روی آوری میلیون مردم بسوی شعارهای یقین‌ناشان دهنده واقعی بودن جنبش بود. اینک انقلابیون آن روزی آذربایجان به قولها و وعده‌های اتحاد شوروی باور کردند در آن زمان که ملا طبعی بوده است. استفاده از کمک اتحاد شوروی در تشکیل حکومت شوروی عملی انترناسیونال نیستی محسوب میشد. در جهان آشنوی اتحاد شوروی که به آمال گمونیستها محسوب میشد و به مصادق مثل "هر چه از دوست رسد نیکوست" عمل اتحاد شوروی صرف نظر از درستی و نادرستی آن مورد تأیید گمونیستها قرار میگرفت. کارها و فرقه دمکرات آذربایجان (۶) که اکثر گمونیست بودند در جهان رجوع به فکر حاکم کمینترنی و برداشت کمینترنی از انترنا سیونالیسم پرولتری قدم در راه تشکیل فرقه و حکومت ملی آذربایجان گذاشتند. اینک اتحاد شوروی در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ مردم آذربایجان و حکومت ملی را تنها گذارد اینک عوامل وابسته به حکومت شوروی عمل فرقه دمکرات و قشون ملی را خلق سلاح نموده و از مقامی جدی در مقابل ارتش شاه جلوگیری و حتی خرابکاری میکردند. اینک دولت شوروی با گرفتن امتیازاتی از دولت ایران مردم آذربایجان را با مفتی حرف تو خالی تسلیم منگنه قشون دولتی کرد (۷) همه و همه نمی‌توانستند حرکت مردم آذربایجان و حکومت ملی برخاسته از آن را زیر سر علامت سوال ببرد. سهم دولت اتحاد شوروی در تنها گذاردن مردم آذربایجان بسیار جدی و تعیین کننده بود. ولی از طرف دیگر برداشت گمونیستهای مثل

با
پیام کارگر

همکاری کنید

و برای آن بنویسید!

افغانستان پس از خروج نیروهای شوروی

درگیریهای خشن درون این حزب، شورش در ارتش، قیام در شهرها و فرار دسته جمعی رهبران و اعضای حزب را پیشگویی میکنند، سنا ریوی سقوط این رژیم راههای متنوعی را برای این سقوط پیشنهاد میکند و حتی این سقوط زمانبندی نیز میشود. پاره‌ای دیگر یک جنگ داخلی طولانی و خونین را پیش بینی میکنند که با درگیریهای داخلی در میان مجاهدین و پناهنده‌ها در کشتاری سجانیه همراه بوده و احتمالاً در انتهای آن نوعی آشتی بین طرفین صورت خواهد گرفت. پیش بینی دیگری تقسیم افغانستان به دو دولت شمالی و جنوبی و تداوم جنگ بصورت جنگ شمال و جنوب را محتمل تر میداند و طرحهای احتمالی شوروی را در قبایل چنین وضعیتی نیز حدس میزند. اما صرف نظر از اینکه کدام یک از این پیش بینیها واقع بینانه باشد، موروثی بر تحولات جاری در افغانستان خالی از فایده نیست.

به قدرت رسیدن دکتر نجیب الله بعنوان رهبر حزب دمکراتیک خلق افغانستان و رئیس جمهور این کشور بمعنای پایان یافتن ویادقیقتر فرعی شدن سیاستی است که در سال آخر حکومت بیسرک کارمل دنبال شده بود. این سیاست که هم اکنون نیز بعنوان اقداماتی تکمیلی در کنار سیاست جدید بکار برده میشود چه مشخصات و تفاوتها با سیاست جدید رهبری شوروی و افغانستان دارد؟ اولین مشخصه، سیاست بیبرک کارمل این بود که بلحاظ امنیت داخلی و سیاست نظامی بجسای درگیریهای برآکنده و تلاش برای آزادسازی مناطق روستائی و اطراف شهرها، تلاشی در مجموع ناموفق - این هدف را دنبال میکرد که تعادل نظامی را از طریق ازکار انداختن برتریهای نظامی - استراتژییک مجاهدین به زیان آنها بهم بزنند. این برتریها نه به علت خلعت چریکی و رزمندگی مجاهدین که اساساً بخاطر برخورداری آنها از حفاظت و پشت جبهه استراتژیکی در پاکستان و ایران بوده که آنها امکان استفاده وسیع از مرزها برای بازسازی تسلیماتسی و پرسنلی خود را داده و در عمل سیاست آزادسازی مناطق را که از سوی دولت و ارتش شوروی دنبال میشد خنثی مینمود. در این راستا بود که دولت افغانستان و ارتش شوروی اقدام به مین گذاری - های وسیع در مرزها و تله گذاری در مناطق مرزی پرشده نموده و با استفاده از نیروی هوائی قدرتمند خود پس از مدتی موفق شدند که تنگناهای نظامی قابل ملاحظه‌ای را به مجاهدین تحمیل کرده و مناطق بسیاری را از آزادی تقریباً منکند، شکستهای مجاهدین در منطقه دره پنجشیر که هم اکنون نیز یکی از پرتحرکترین کانونهای نظامی آنهاست، نشان دهند پیروزی نسبی - و البته زودگذر - سیاست فوق بود. دومین مشخصه این سیاست استفاده از شیوه مسلح کردن قبائل طرفدار دولت و یا ملحق نمودن این قبائل به نیروهای دفاع مرزی و منطقه‌ای بود که خاصه در راه بطنه یا مرز پاکستان نسبتاً موفق بود تا جایی که در مواردی ارتش پاکستان مجبور به دخالت

و خلج قبائل طرفدار دولت شد. در کنار این اقدامات بود که سیاست آشتی ملی ابتدا بعنوان طرحی برای ائتلاف با سران قبائل مطرح شده و سپس از مدتی بعنوان تاکتیک اصلی بکار گرفته شد. این تغییر تاکتیک ناشی از آن بود که سیاست فسوق مستلزم کشتادن درگیری به مرزها و حتی به داخل پاکستان بود و دولت‌های افغانستان و شوروی هیچیک تمایلی جدی به چنین اقداماتی نداشتند. در عین حال علت بنیانی این تغییر سیاست آن بود که بعلت حضور نیروهای شوروی امکانات تبدیلی پیروزیهای نظامی به سیاسی و تقویت پایبندی اجتماعی دولت و در نتیجه پایبندی ماندن موفقیت‌های نظامی بسیار ناچیز بودند.

این نتیجه گیری ما را در فهم علل اتخاذ سیاست خروج از افغانستان و آشتی ملی در این کشور باری میدهد (صرف نظر از اینکه ما چه موضعی در قبایل این اقدامات داشته باشیم). با اعلام سیاست خروج از افغانستان و امضای موافقتنامه ژنو، دولت افغانستان به مدت ده ماه اقداماتی را برای مقابله سیاسی و نظامی با اوضاع بعد از خروج مرزبان شوروی انجام داد. از نظر نظامی، سیاست کنترل شهرها و جاهای استراتژیک، ساختن استحکامات و کمربندهای نظامی و تدارک برای یک جنگ دراز مدت اتخاذ شده و راههای اخیر با دریافت ما زویرک نظامی مدرن از شوروی شدت یافت. به لحاظ سیاسی، آشتی ملی مستلزم فاصله گیری آشکار از بسیاری از دستاوردهای ده سال اخیر بود. معسک کردن رفیرم رضی - بجو در ۲ استان شمالی که دولت هیچگاه به حضور نظامی شوروی نیاز جدی نداشته و با به اجتماعی قابل ملاحظه‌ای دارد - سازش در قبایل احساسات مذهبی مردم و مملکت نامتو، احساسات با بسیاری از سرکردگان محلی فدا انقلاب و سپردن اداره امور مناطق به آنها که به معنی پس گرفتن بسیاری از اصلاحات مترقی سالهای اخیر بود را به از مهمترین رهبران این سیاست بلحاظ داخلی دانست. بلحاظ بین المللی اقداماتی مثل تعرض دیپلماتیک به مجاهدین و طرح سیاست دولت ائتلافی افشای نقض عهد از سوی پاکستان و آمریکا در کنار تلاش برای رسیدن به تفاهم با غرب در باره ضرورت یک دولت غیر متعهد و عرفی با شرکت کمونیستها - فعلاً دنبال شدند.

اما نتایج تاکنونی سیاست آشتی ملی در داخل کدامند؟ بلحاظ داخلی این سیاست تنها موفق به جلب نیروهای ناچیزی از اپوزیسیون لیبرال و بورژواشی که قبلاً نیز قانع بودند شده و پاره‌ای از شخصیت‌های این اپوزیسیون در دولت شرکت داده شدند. در حالیکه آشتی با مجاهدین و فرماندهان محلی آنها پیشرفت چندانی نکرده و توافق‌های موقتی نیز غالباً از سوی طرف مقابل نقض شدند و پناهنده‌ها برای تاکنون دولت افغانستان نتوانسته است حتی یک مورد آشتی مهم را نیز به فرجام برساند. تعلق برای نزدیکی با ظاهرها و طرفداران داوودخان

که هدف اصلی بودند نیز تاکنون بجای نرسیده و این در وضعیت است که مجاهدین تلاش گسترده‌ای را برای نزدیکی با یکدیگر آغاز کرده‌اند. توافق اولیه هفت گروه مجاهد مستقر در پاکستان با هشت گروه شیعه دست نشاندگان ایران برای تشکیل شورائی که در آن شخصیت‌های مسلمان نیز شرکت داده شده اند را با پس از مهمترین موارد نزدیکی فدا انقلاب در افغانستان بحساب آورد. شورای چندمدت‌مدت مزبور با تشکیل دولت به نخست وزیر احمدشاه و ریاست جمهوری محمدنبی محمدی و فعلاً بدون شرکت گروه‌های شیعه طرفدار ایران، رسماً اعلام موجودیت کرده و هدف فعلی خود را تسخیر شهر جلال آباد در شرق کابل قرار داده است. در نبردهای روزهای اخیر گروه‌های هسای سرهم بندی شده مجاهدین تلاش زیادی برای محاصره شهرهای مهم و از جمله کابل انجام داده اند که با شکست‌های سنگینی که در هرات و قندهار رونیسز در اطراف جلال آباد کابل محتمل شده اند، احتمالاً فاصل بهار نتوانند بلحاظ نظامی حرکات مهمی انجام دهند.

سیاست آشتی ملی اما اکنون پس از خروج نیروهای شوروی از افغانستان میتواند شیرات مثبت و منفی متعددی داشته باشد. از نظر افکار عمومی بین المللی بویژه پس از خودداری صریح جرج بوش رئیس جمهور آمریکا از قطع کمکهای نظامی به مجاهدین و تداوم سیاست ارتجاعی پاکستان در قبایل مسئله افغانستان، دولت دکتر نجیب الله در وضعیت بهتری قرار گرفته است. در سبب این وضعیت‌های این سیاست بلحاظ داخلی اما میخواهند مهم ترین تا شورش آن باشد. گسترش رهبری حزب که اخیراً انجام گرفته و احتمالاً به معنی نزدیکی بیشتر گرایشات درون حزب است. برکناری هفت وزیر غیر حزبی از کابینه و مسلح شدن اعضای حزب را باید نقطه شروع فاش شدن برتری‌های وسیع در صفوف حزب که به خروج پاره‌ای از اعضای آن از کشور منجر شده بود، بحساب آورد. موفقیت‌های نظامی اخیر، در کنار بسیج نظامی و اعلام حالت فوق العاده در کشور نشان میدهند که رهبری حزب بر آن است که در صورت عدم حصول توافق با مجاهدین به مقابله، نظامی و سیاسی فعال و به بیان دیگر اتخاذ سیاست جنگ داخلی روی آورد. اگر این ارزیابی شتابزده و خوش بینانه نباشد، آنرا باید به حساب این گذاشت که حزب دمکراتیک خلق افغانستان میتواند از خط‌های خود در گذشته درس گرفته و فعلاً برای شکستن بن بست فعلی به نفع خود پیکار کند. برآستی نیز به جز این راهی در مقابل این حزب وجود ندارد. اکنون با خروج نیروهای شوروی، توده‌های وسیع مسردم افغانستان این فرصت را می‌یابند که در مورد جنگ داخلی جاری و اهداف نیروهای هر یک از دو جبهه اصلی این جنگ اتخاذ موضع کنند. مقاومت سنگر به سنگر در مقابل تنها جمعی میربالیزوم ارتجاع، تنها راه حل انقلابی ممکن و به نفع توده‌های فریب خورده و قربانی شده خلق افغانستان است که در ۶ سال گذشته - از زمان تلاشهای امان الله برای متحول

اخبار خارجی

آلمان فدرال

● ناظران سیاسی سفر آقای بیکروزیرخا رجه آمریکا به اروپا را در مجموع بدون نتیجه ارزیابی کرده اند. علت این ارزیابی این است که هدف اصلی سفر آقای بیکروزیرخا اروپا این بود که متحدین اروپائی آمریکا را راضی کند تا به طرح این کشور راجع به مدرنیزه کردن موشکهای با برد کوتاه گردن بگذارند. بیشترین مقاومت در این مورد از سوی دولت محافظه کار آلمان فدرال صورت گرفت که به دلایل داخلی حاضر نیست به تصمیم گیری در این مورد قبل از سال ۱۹۹۱ تنبهد. وزیرخارجه آمریکا در دیدارهای خود با کنشروکهل (وزیرخارجه و صدراعظم آلمان) نتوانست آنها را راضی کند که طرح آمریکا را بپذیرند. این ناکامی نصیب خانم تاجرنخست وزیر انگلستان نیز شد که در دیدار خود روزهای ۱۳ آلمان فدرال نتوانست همتای آلمانی خود را قانع کند که از نظر نظامی غرب به مدرنیزه کردن موشکهای برد کوتاه هتیا زارد. اگر آلمان فدرال که بیشتر موشکهای فعلی را در خاک خود جا میدهد از این روست که تعرض دیپلماتیک کشورهای سوسیالیستی در مورد کاهش تسلیحات موجب شده است که افکار عمومی آلمان فدرال با هرگونه اقدام درجهت افزایش تشنج با سوءظن و عدم تأیید مقابله کرده و چنین مقابله ای میتواند دولت آلمان را که هم اکنون نیز در وضعیت باثباتی قرار دارد، بیشتر از پیش در تنگنا قرار دهد.

آمریکا

● کمیسیون دفاع کنگره آمریکا پیشنهاد دولت بوش در مورد انتخاب جرج تا ورسنا تور جمهوریخواه سابق بعنوان وزیر دفاع این کشور را رد کرد. علت امتناع کمیسیون فوق که احتمالاً در کنگره نیز مورد پشتیبانی قرار خواهد گرفت این بود که آقای تا ورسنا در جنگ جهانی اول به عنوان سرباز در ارتش آمریکا خدمت کرده و در جنگ جهانی دوم نیز در ارتش آمریکا خدمت کرده و در جنگ جهانی سوم نیز در ارتش آمریکا خدمت کرده است. تا ورسنا در جنگ جهانی اول به عنوان سرباز در ارتش آمریکا خدمت کرده و در جنگ جهانی دوم نیز در ارتش آمریکا خدمت کرده و در جنگ جهانی سوم نیز در ارتش آمریکا خدمت کرده است. تا ورسنا در جنگ جهانی اول به عنوان سرباز در ارتش آمریکا خدمت کرده و در جنگ جهانی دوم نیز در ارتش آمریکا خدمت کرده و در جنگ جهانی سوم نیز در ارتش آمریکا خدمت کرده است.

آندونزی

● مذاکرات فی مابین کامبوج، کشورهای عضو آسه آن و نیروهای اپوزیسیون کامبوجی به سرخس خمرهای سرخ بدون هیچ نتیجه روشنی به پایان رسید. این شکست غیرپیش بینی شده بعلمت دوری قابل ملاحظه مواضع طرفین و علیرغم این امیدواری بود که حصول توافق در آندونزی بطور قطعی صورت خواهد گرفت. مذاکرات فوق قرار است که در آینده ادامه یابند.

چین

● جرج بوش در پایان سفر خود به ژاپن که برای شرکت در مراسم تدفین امپراطوری سابق ژاپن صورت گرفته بود برای یک دیدار با مقامات عالی رتبه سفر نمود. وی در این دیدار با مقامات عالی رتبه جمهوری خلق چین و از جمله دنگ سیا شوپینگ دیدار و مذاکره میکند. در این مذاکرات دو موضوع مهم مورد علاقه طرفین مطرح هستند که عبارتند از روابط اقتصادی دو کشور و مسئله بهبود روابط چین و شوروی. در مورد روابط اقتصادی، چین معتقد است که آمریکا همچنان به اعمال محدودیت در روابط اقتصادی طرفین و از جمله محدودیت صدور تکنولوژی به این کشور ادامه میدهد و خواستار تغییر بنیادی این سیاست گردید. از سوی دیگر آمریکا میخواهد که در مورد عواقب بهبود رابطه چین و شوروی با این کشور مذاکره کند تا تا شیرات این بهبود در روابط متقابل بسنجد. جرج بوش در ابتدای سفر خود اظهار داشت که آمریکا در اساس از بهبود روابط دو کشور چین و شوروی استقبال کرده و آنرا برخلاف منافع خود نمی شمارد.

تظاهرات و درگیری در وین

زحمتکشان مزدآمیز شورش کردند!

● شامگاه ۵ شنبه دوم فوریه یکی از مبارزین بزرگ وین شام درگیری مردم و نیروهای معترض با پلیس بود. همه ساله در چنین روزی در وین مجلس رقاصه OPERNBALL در برای بزرگ وین مجلس رقاصه شامانی مجلسی برگزار میشود که در آن تظاهرات شروتمندان، مقامات حکومتی و "برجستگان" شرکت دارند. برای بزرگ وین که هزینه هنگفت آن از جیب زحمتکشان تامین و در آمد آن به کیسه توانگران سرازیر میشود همه ساله شاهد تظاهرات اعتراض آمیز متناهی بوده، لیکن امسال این تظاهرات که عمدتاً بصورت غیرقانونی برگزار شد بخشونت کشیده تدبیر زخمی شدن بیش از پنجاه نفر از جمله خبرنگاران و دستگیری دهها نفر دیگر منجر گردید. در این تظاهرات علاوه بر نیروهای تیریش نیروهای مترقی خارجی از جمله ایرانی شرکت داشتند و به پخش اعلامیه مبادرت کردند.

برلین غربی

افشای انتخابات

● روز ۲۸ ژانویه سال جاری میلادی یعنی درست یکروز پیش از برگزاری انتخابات برلین غربی تظاهرات بزرگی که با شرکت دانشجویان دانشگاههای برلین و دانش آموزان و کمیته "بی سرپناها" سازمان یافته بود بصورت کارناوال انجام گرفت. مضمون این کارناوال سیاسی، افشای انتخابات و چهره های سرشناس حزب حاکم برلین غربی، شهردار و رئیس سنا بود! تظاهرات کنندگان پیشاپیش نسبت به رشد نیروهای فاشیستی (نشو نازیت ها) اعلام خطر کردند. جمعیت تظاهرات کننده حدود ده هزار نفر و محل برگزاری خیابانهای مرکزی شهر بود.

افغانستان

پس از خروج نیروهای شوروی

کردن جامعه سنتی و عقب مانده افغانستان به این سو - غالباً در کنار دشمنان خود، فئودالیسم و مذهب قرار داشته اند. این مقاومت است که میتواند - همانطور که سرنوشت رقت انگیز کنتر در نیکاراگوئه نشان داد - طرفندهای امپریالیستی و طرحهای "جنگهای کم شدت" منطقه ای وی را خنثی کرده و بهین بست بکشند. حتی برای رسیدن به آشتی ملی در افغانستان - آنطور که دولت این کشور طرح میکنند - نیز راهی بجز مقاومت و جنگیدن با همه امکانات و تحمیل این آشتی وجود ندارد و گردنش دولت مستقل و بیطرف در افغانستان، خواب و خیالی بیش نخواهد بود.

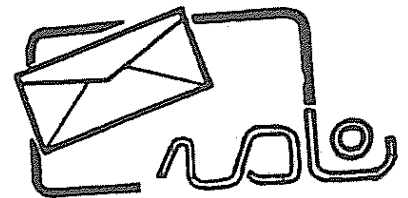
ما بدون اینکه ذره ای از انتقادات خود نسبت به روند تاقوونی انقلاب افغانستان - تبعیت حزب از دولت شوروی، اقدامات و سیاستهای ذهنی و چپ روانه، سازشکاریهای غیر اصولی و مسلمان نمایی ها، شیوه های نادرست مبارزه درون حزبی و مهمتر از همه فقدان سیاست روشن برای شرکت دادن توده ها در انقلاب و تکیه به آنها - و نیز خطای فاجعه بار دخالت نظامی شوروی - کوتاه بیایم و در عین تاکید بر این انتقادات، تا جایی که حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مقاومت جدی در مقابل غدا انقلاب بپردازد از آن حمایت کرده و با آن ابراز همبستگی می کنیم.

جشن ۴۳مین سالگرد

جمهوری خودمختار کردستان ایران

روز ۲۸ ژانویه "۲۳مین سالگرد اعلام موجودیت جمهوری خودمختار کردستان به ریاست قهرمان ملی شهید قاضی محمد، از سوی فداکامین حزب دمکرات کردستان ایران - (رهبری انقلابی)، جشن باشکوهی در استکھلم برگزار گردید. این جشن با استقبال عموم کردهای مقیم استکھلم مواجه گردید. رفقای ما نیز ضمن شرکت فعال در این مراسم از سوی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - واحداً استکھلم با انتشار اعلامیه ای ۲ روزه بندها را به حزب دمکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی) تبریک گفتند.

منتشر شده است:
بولتن مباحثات طرح برنامه شماره ۱



رفیق عزیز "ن"

نام شما را دریافت کردیم، از برخورد فعال و مثبت شما با مباحث مطروحه در ستون آزاد پیام کارگر بسیار متشکریم. نظر شما در مورد محسنات و خصوصیات ستون آزاد موردتأکید ماست و امیدواریم که بنشینیم با همکاری شرکت گسترده همه آنانی که بشفق انقلاب، دمکراسی و سوسیالیسم تلاش میکنند به اهداف ستون آزاد پیام کارگر دست پیدا کنیم. در مورد مقاله "ش" در باره زن و خانواده مندرج در ستون آزاد نشریه شماره ۲۱، با بدیهه اطلاع شما بر ما نیم که قدم ما بهیچوجه خاسته دادن به این بحث و یا عکس العمل سریع برای جواب دادن به نویسنده، آنطور که شما در نامه خود متذکر شده اید، نبود. فکری نمیکنیم اعلام موضع ما نسبت به مسئله ای بتواند مانع از ادا مباحث و تبادل نظر در مورد آن شود و چنانکه شما هدیه داده اید، این بحث با ارائه مقاله از جانب ما یردستان ادا میافتد است. ما امیدواریم که شما با تداوم برخورد فعال با تمامی جوانب کار نشریه به اصلاح آن کمک رسانید.

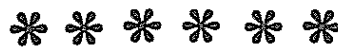
"کمیته موقت دفاع از زندانیان سیاسی ایران" هایدلبرگ - آلمان فدرال

نام شما به همراه گزارشات اقدامات آن کمیته در جهت دفاع از زندانیان سیاسی ایران را دریافت کردیم. ضمن ابراز پیشتیبانی از اینگونه اقدامات، متذکر میشویم که گزارشات شما در موارد مختلف در نشریه استفا داده شده است.

رفیق عزیز عباس - د: آلمان

نام محبت آمیز شما دریافت شد. در مورد پیشنهادهای شما مبنی بر ارائه مقالاتی در زمینه های فرهنگی، متذکر میشویم که سعی ما تاکنون برای این بوده که به این نیا زدر حد امکان خود پاسخ دهیم. و کارهایی هم در پیما کارگزار شده است. پیشنهاد اخص شما در مورد "زبان شناسی" نیز بجاست و ما دا و طلب شدن شما برای همکاری در این زمینه ها را بقبال نیک میگیریم و منتظر کارهای شما هستیم. امیدواریم که ارتباط خود را با نشریه ای که آنرا متعلق بخود میداند بندها بدارت کنید. در سه های موردنیا شما برای دریافت کتابهای موردعلاقه - تا ن بدین قرارند: 1- I.U. P.O.Box 3016 New York, N.Y. 10027 آدرس نشریه کارگر و شکر:

2- Farhang B.P. 244 92205 Neuilly S,S



کمکهای مالی

مریم کمک به رادیو	۵۰ مارک
د - غ	۵۰
هسته ایدی	۴۲
A - ۹۹	۲۰
ز - ا	۵۰
الف - ح	۵۰
هواداران زیگن	۵۸
یحیی	۳۰
مریم کمک به رادیو	۱۰۰
A - ۹۹	۲۰
هواداران زیگن	۵۷/۵
ز - ا	۵۰
یحیی	۱۰
ش - الف	۱۰۰
آزاده - ۹۹	۲۰
ناصر	۱۰۰۰
سهیل	۵۰ مارک
بابک	۱۰۰
بهنام	۱۰۰ دلار
حسن	۱۰۰
احمد	۱۰۰
محمد	۱۰۰
غ - ر	۵۰ مارک
س - س	۲۰
س - ه	۱۰۰

نامه سرگشاده جمعی از مدافعین زندانیان سیاسی ایران

توضیح:

جمعی از مدافعین زندانیان سیاسی ایران - نورنبرگ همراه با نامه به پیما کارگزاران گزارشی از فعالیتهایشان در دفاع از زندانیان سیاسی ایران، نامه سرگشاده ای را که در اعتراض به عدم توجه کشورهای سوسیالیستی به نقض حقوق بشر در

ایران تهیه کرده اند برای ما ارسال داشته اند. ضمن تشکر و حمایت از اقدامات این عده از ایران نایان مقیم نورنبرگ، بخشهایی از نامه سرگشاده آنها را در این شماره می آوریم.

نزدیک به ده سال از حیات تنگنای یکی از جنایتکارترین حکومتهای طول تاریخ میگذرد. این رژیم زید و پیدایش خود به کم نظیرترین شکل ممکن ابتدائی ترین حقوق انسانیها را زیر پا گذاشته است.

نگاهی کوتاه به پیشینه جمهوری اسلامی در مجامع بین المللی مدافع حقوق بشر، از جمله کمیسیون سوم مجمع عمومی سازمان ملل که مربوط به نقض حقوق بشر است پیگیری میکنند نشان میدهد که این رژیم هر ساله بنا سبت روزگاری حقوق بشر در ردیف کشورهای نظیر شیلی و آفریقای جنوبی محکوم شده است. در این میان به روال هر ساله و بسا کمال تا سفتا هسکوت و بی تفاوتی اکثر کشورهای سوسیالیستی بودیم. کابری بی تفاوتی به آنجا کشیده شده که سال نما بیندگان اتحاد جماهیر شوروی و

جمهوری خلق چین برای روبرو شدن با این واقعیت اما سا در این رای گیری شرکت نکردند. در حالیکه انتظار مردم ایران این بود که این کشورها نه تنها جمهوری اسلامی را محکوم کرده بلکه خود را زیان و پیشنها دهنندگان این قطعنا مهاباشند.

بدون تردید دولت اتحاد شوروی در قبالی این موضع گیری مشول و در برابر ملت ایران پاسخگو میباشد.

آنچه در این میان برای ما قابل تعجب است برخورد محافظه کارانه و متزلزل این کشورها بسا مساله حقوق بشر در ایران است. ما جمعی از ایرانیان مدافع زندانیان سیاسی ایران - نورنبرگ از دولتهای سوسیالیستی خواهانیم که تحت فشار قراردادن رژیم جمهوری اسلامی ایران برای قطع کشتار زندانیان سیاسی و آزاد کردن باقیمانده

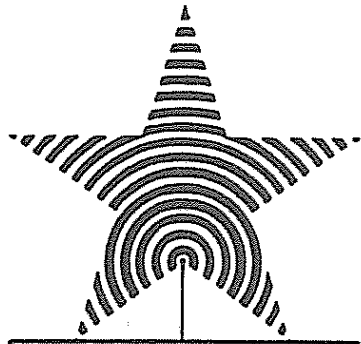
تصحیح و پوزش

در مقاله مندرج در صفحه ۸ پیما کارگزاران ۳۶ برخی اشتباهات تایپی وجود دارد که ضمن پوزش بدین صورت تصحیح میشود. ستون دوم سطر ۱۴ بجای "بیخبران" بیچیزان صحیح است. سطر ۱۶ بجای "بیرونش" بیرونش صحیح است. و در ستون سوم سطر ۳۲ در ترکیب "شکنجه گاهای زمان" کلمه زمان اضافی است.

آنها و رعایت ابتدائی ترین موازین حقوق بشر در ایران به خواست واقعی مردم ایران پاسخ دهند.

جمعی از مدافعین زندانیان سیاسی ایران - نورنبرگ

با کمک های مالی خود سازمان را در امر مبارزه انقلابی یاری رسانید



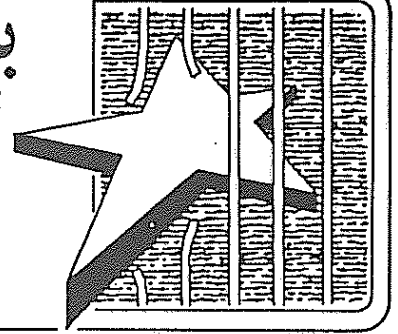
صدای کارگر

راه پویان سازمان کارگران انقلابی ایران - تهران - مکرر

برای آزادی

زندانیان سیاسی متحداً مبارزه کنیم!

در صفحه ۸



استکھلم

تحصن و اعتصاب غذا برای جلوگیری از اخراج ۱۸۰ نفر پناهنده

اجتماعی "تخصیص داده شوند، اخراج خواهند کرد." (نقل از اعلامیه واحد کوشش برای آزادی زندانیان سیاسی در ۸۹/۱/۲۵ که در حمایت از این حرکت منتشر گردید)

در پی اجرای طرح فوق ۱۸۰ نفر از پناهنده‌گان که اکثر آنها ایرانی بودند با دریافت حکم اخراج در معرض خطر قرار گرفتند. از این رو "کمیته پناهندگی" سوئد، که تشکلی سراسری از پناهنده‌گان ملیت‌های مختلف و از جمله سوئدی‌های دمکرات و مترقی است در اعتراض به قوانین ضد پناهنده‌گی و احکام اخراج از بعد از ظهر جمعه ۲۷ ژانویه در محل کلیسای بزرگ شهر پناهنده‌گان و بشردوستان سازمان نهادهای مترقی را حول ۲ خواست زیر:

- ۱ - حق پناهنده‌گی برای همه
- ۲ - لغو قانون ویزا برای افرادی که از کشورهای پناهنده‌خیز نظیر ایران، شیلی و لبنان به سوئد می‌آیند، دعوت به یک اعتصاب و تحصن ۴۸ ساعته نمود.

"تعرض آشکار و نهان به حق پناهنده‌گی آیینک سالهاست که از سوی کشورهای مدعی بشردوستی در اروپای غربی آغاز گشته است. در پی همین تعرض نیز بود که نمایندگان دول اروپای غربی پس از چندین نشست مخفیانه در لوکزا مبورگ و سوئیسیس دست به تصویب قوانین یکسان ضد پناهنده‌گی و همکاری در این زمینه زده‌اند. بیهوده نیست که امروزه دولت سوئد درست چند ماه پس از تجربه دولت نروژ قانون ویزای ورود به سوئد را علاوه بر ایران، لبنان، نیان و غیره، به اتباع شیلیایی نیز تعمیم میدهد. ویسا دولت آلمان غربی به گزارش روزنامه Expressen تصمیم میگیرد تا برای جلوگیری از ورود پناهنده‌گان "مدل سوئدی" را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

در طی اعتصاب عده‌ای بسیار زیاد در آن شرکت کرده و از خواستهای حمایت نمودند. در روزهای آتی که قطعاً ما اعتصاب و تحصن در محکومیت سیاست‌های ضد پناهنده‌گی دولت سوئد در شده و از دولت و اداره مهاجرت تجدیدنظر و لغو احکام اخراج را خواستار گردیدیم. ۶۰۰ نفر در آکسیون حضور داشتند. خبر این حرکت وسیعاً در رسانه‌های خبری محلی و سراسری درج گردید و از تلویزیون مساجد و مراکز با شرکت کنندگان در آکسیون پخش شد.

در همین راستا نیز هست که دولت واداره مهاجرت سوئد چندین طرح و قانون مختلف را در این زمینه تصویب نموده، برخی را به مرحله اجرا در آورده و اجرای برخی دیگر را در آینده نزدیک در دستور کار خود قرار داده است. از جمله طرح‌هایی که اینک به مرحله اجرا در آمده‌اند، طرحی است که از طرف اداره مهاجرت در تاریخ ۱۹۸۸/۱۲/۲۸ اعلام گردید و تا ظهر چندین نکته زیر است:

لندن

اعتراض به قتل عام زندانیان

در مقابل رادیو BBC

بدعت کمیته علیه اعدای سیاسی ایران روز سوم فوریه از ساعت ۱۲ الی ۲ در مقابل ساختمان BBC لندن تظاهرات ایستاده‌ای با شرکت تعدادی از ایرانیان مترقی برگزار گردید. مسئولین رادیو بدون هیچ توجهی به تظاهرات قصد داشتند آنرا با سکوت برگزار کنند، تا اینکه با ورود یکی از تظاهرات‌کنندگان به داخل ساختمان و دادن قطعنامه‌ای اعتراض به سکوت مسئولین رادیو، خبرنگاری را ما مورتهیه رپرتاژ تظاهرات کردند.

- ۱ - به تمام پناهنده‌گان که تا قبل از اول ژانویه ۱۹۸۸ در سوئد تقاضای پناهنده‌گی کرده‌اند پناهنده‌گی داده میشود.
- ۲ - این "عفو عمومی" شامل آن دسته از متقاضیان پناهنده‌گی که جواب قطعی رد (مثلاً از طرف دولت) گرفته‌اند، نخواهد شد.
- ۳ - کماکان آن دسته از متقاضیان مورد قبول قرار میگیرند که علاوه بر دلایل و مدارک کافی برای پناهنده‌گی، برای "امنیت سوئد" "خطرناک" نباشند، "بزهکار" محسوب نگردند و یا فردی "غیر اجتماعی" تشخیص داده نشوند.

مضمون نکات بر شمرده فوق در نوبت‌های بعدی توسط مسئولان اداره مهاجرت بخفا توضیح داده شود و روشن گردید که این عفو عمومی تنها شامل حال ۲۰۰ - ۳۰۰ متقاضی پناهنده‌گی خواهد گردید. ما بقی که جواب ردی شان قطعی شده، و یا برای "امنیت سوئد" "خطرناک" هستند (یعنی ترجمان همان قانون فاشیستی تروریسم که بر طبق آن فرد متهم حتی حق آگاهی از موازاتها و دفاع قانونی از خود در دادگاه را نیز ندارد)، و یا فردی "غیر

- برنامه‌های سرتاسری صدای کارگر:
- هر روز ساعت ۵ عصر روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابری ۴ مگا هرتز پخش میگردد.
- این برنامه ساعت ۸ همان شب و ساعت ۷ صبح روز بعد مجدداً تکرار میشود.
- جمعه‌ها برنامه ویژه پخش میگردد.
- برنامه‌های صدای کارگر ویژه کزدستان:
- روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه ساعت ۴ بعد از ظهر بزبان کردی و فارسی روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابری ۴ مگا هرتز پخش میشود. همین برنامه روزهای یکشنبه، سه‌شنبه و پنجشنبه ساعت ۴ تکرار میگردد.
- جمعه‌ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه پخش میشود. این برنامه ساعت ۴ بعد از ظهر جمعه تکرار میگردد.

برای سفارش یا اطلاع بیشتر در مورد این نشریه با شماره ۰۲۱-۴۹۰۰۰۰۰۰ در تهران یا شماره ۰۰۳۳-۱۱۱۱۱۱۱۱ در سوئد تماس بگیرید. مسئول: سازمان کارگران انقلابی ایران - تهران - مکرر

ALIZADI B.P.195
75564 PARIS - CEDEX 12
FRANCE

POSTFACH 650226
1 - BERLIN 65
W - GERMANY